

نقش بازار داخلی در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

بهروز خشت زر^۱، میرنجف موسوی^۲، عوض شهابی فر^۳، پروین دانشور^۴

^۱ کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس، دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه ارومیه

^۳ کارشناس ارشد مدیریت امور دفاعی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

^۴ کارشناسی ارشد جغرافیا و دفاع مقدس، دانشگاه ارومیه

چکیده

وقتی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می شود، تصور ما از اقتصاد نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال میکند. آنچه که از روایات و آیات ما استنتاج می شود این است که اقتصاد در مفهوم اندیشه اسلامی یک مفهوم و یک مقوله توازنی، هم در مقوله مادی و هم در مقوله معیشت است. در تفکر اسلامی هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت امری اقتصادی محسوب می شود. یکی از مفاهیم قابل استنباط از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی می کنیم که دشمن در عرصه های مختلف حضور دارد؛ یکی از این عرصه ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصصی قرار داریم که می بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است. اتحاد و انسجام در عرصه ملی از عوامل لازم برای حرکت سریع رو به رشد در هر کشوری است و ایران نیز از این مساله مستثنی نیست. پرهیز از حرکات و بیانات تفرقه افکنانه از ضروریات حرکت جامعه در مسیر یک اقتصاد مقاومتی حقیقی است. استفاده صحیح و حداکثری از منابع موجود در کشور خود عامل بسیار مهمی در رشد و پیشرفت کشور است. مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم و نیازمند توانمند شدن و اطلاعات کافی است. امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و مردم باید موضوع پرهیز از اسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر، مهمترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است. از این رو خداوند در آیه ۶۷ سوره فرقان، حرکت در مداری به دور از افراط و تفریط را رسیدن به پایداری دانسته است. شرایط امروز اقتصاد ایران نشانگر اولویت مهم هدفگذاری رشد در سیاست های کلان دولت می باشد. افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص، از مهمترین اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی است. در این مقاله ابتداءً سعی شده است ابعاد مختلفی از چرایی، چیستی و چگونگی اقتصاد مقاومتی تبیین و در ادامه بر راهکارهای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی با تأکید بر توان، دانش و ظرفیت های داخلی و بومی مبادرت ورزد.

واژه های کلیدی: اقتصاد مقاومتی، بازار داخلی، تولید ملی، اقتصاد دانش بنیان، دیپلماسی اقتصادی

مقدمه

هنگامی که بحث اقتصاد مقاومتی مطرح می شود، تصور ما از اقتصاد نوعی اقتصاد اسلامی است که ریشه در جهان بینی توحیدی دارد و مقوله های مادی، معیشت و معنویت را در یک تفسیر و یک الگوی خاص دنبال میکند. آنچه که از روایات و آیات ما استنتاج می شود این است که اقتصاد در مفهوم اندیشه اسلامی یک مفهوم و یک مقوله توازنی، هم در مقوله مادی و هم در مقوله معیشت است. در تفکر اسلامی هر تلاشی برای ایجاد توازن در معیشت امری اقتصادی محسوب می شود. این توازن، قلمروهای مختلفی دارد. ما در دنیایی زندگی می کنیم که مبادله در آن وجود دارد و در این مبادله هزینه، منافع و درآمد وجود دارد. از این رو در تفکر اسلامی اقتصاد برابر است با توازن در زندگی و معیشت. اقتصاد از این حیث، نوعی بی نیازی است؛ یعنی می بایست به کمک توازنها نیازها را رفع کنیم.

نخستین مفهوم قابل استنباط از اقتصاد مقاومتی این است که ما در جهانی زندگی می کنیم که دشمن در عرصه های مختلف حضور دارد؛ یکی از این عرصه ها، فعالیت اقتصادی است. به عبارت دیگر در یک میدان رقابتی، تعاملی و تخصیصی قرار داریم که می بایست جهت نیل به اهداف این فضا را مدیریت کنیم. از این رو وقتی می گوییم اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه ما می خواهیم از حیثیت و هویت خودمان در مقابل دشمن یا رقیب دفاع کنیم و باید هر الزامی را که این مقاومت و دفاع نیاز دارد، وارد برنامه ریزی و استراتژی های اقتصادی خود کنیم. با این تعریف اقتصاد مقاومتی به نظام اقتصادی ملت، یا گروه اجتماعی مقاومتی اشاره دارد که در راستای احقاق حقوق خود یا پیگیری اهداف سیاسی که از نظر آنها برحق است، مبارزه می کنند. هرچقدر اقتصاد ملت یا گروه اجتماعی مقاوم، به آنها در راستای تحقق اهداف مقاومت بیشتر یاری برساند مقاومتی تر است.

قاعداً در چنین فضایی هم دشمن بیرونی وجود دارد و هم دشمن داخلی و از طرف دیگر امکانات بیرونی و داخلی نیز فراهم است. این را اقتصاد مقاومتی می گوییم، یعنی اقتصادی که این نوع مؤلفه ها را به خوبی میفهمد و جامعه را بر اساس آن مدیریت می کند. اقتصاد مقاومتی با اقتصاد اسلامی بیگانه نیست، بلکه می توان گفت یک نوع مکمل اقتضایی آن است که به ضرورت زمان فعلی ما بازمیگردد و در شرایط فعلی تحریم ضرورت آن دو چندان است (پیت و الاین، ۲۰۰۹).

مفهوم اقتصاد مقاومتی و تفاوت آن با ریاضت اقتصادی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار یا در شرایط کنونی تحریم و در پی آن تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

تعریف ریاضت اقتصادی

ریاضت اقتصادی به طریقی گفته می شود که دولت ها برای کاهش هزینه ها و رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می زنند. این طرح که به منظور مقابله با کسری بودجه توسط برخی دولت ها انجام میشود گاهی اوقات به افزایش میزان مالیات و افزایش دریافت وامها و کمکهای مالی خارجی میانجامد. اما در مقابل اقتصاد مقاومتی مفهومی است که در پی مقاوم سازی، بحران زدایی و ترمیم ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی مطرح می شود که به طور قطع باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه، پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خود اتکایی است (فشاری و پورغفار، ۱۳۹۳).

چرایی، چیستی و چگونگی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی چند سرفصل دارد که عبارت هستند از چرایی اقتصاد مقاومتی، چیستی اقتصاد مقاومتی و چگونگی اقتصاد مقاومتی.

چرایی اقتصاد مقاومتی

اولین نکته قابل بررسی در این موضوع پاسخ به این سؤال است که چرا اقتصاد مقاومتی نامیده شد؟ پاسخ این پرسش را میتوان در دو ضرورت جستجو کرد؛ اول، ضرورت داخلی و دوم، ضرورت خارجی. به لحاظ ضرورت داخلی باید گفت:

دهه چهارم انقلاب اسلامی، دهه پیشرفت و عدالت نامیده شده است؛ از آنجا که یکی از مهمترین وجوه پیشرفت و عدالت، مقوله اقتصاد است، نامگذاری سال ۱۳۹۱ به نام «اقتصاد مقاومتی» با عنوان دهه چهارم، تناسب دارد؛ علاوه بر این، بخش عمده‌ای از برنامه پنجم توسعه نیز به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است؛ علاوه بر آن، بخش عمده‌ای از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها که در سال ۱۳۸۹ آغاز شد، در سال ۱۳۹۱ استمرار یافته و اجرا میشود؛ طرح مسکن مهر که طی چند سال گذشته پیشرفت خوبی داشته، قرار است در سال جاری به شکوفایی برسد؛ وعده دولت در ایجاد دو میلیون و نیم شغل جدید، تغییر در نظام اعتبارات بانکی و تحول نظام بانکی و تغییر پول ملی نیز به موارد فوق اضافه میشود.

کسانی که با بحث سیستم و سیستم سازی آشنا هستند، میدانند که گاهی فقدان یا ضعف یک عامل در یک سیستم، هرچند عامل اصلی محسوب نشود، ممکن است کل سیستم را از حرکت باز دارد؛ برای مثال یک خودرو پرقدرت و مدرن را فرض کنید که به طرف مقصد خاصی در حرکت است و پنجر میشود؛ خودرو از ادامه حرکت باز میماند! هر چند باد لاستیک در مجموعه لوازم و قطعات یک خودرو مسئله بی اهمیتی است اما در آن شرایط و با وجودی که آن خودرو، بهترین موتور و جعبه دنده را داراست، اما ناکارآمد خواهد بود.

بر این اساس، مهم نیست که اقتصاد در رتبه های پس از سیاست و فرهنگ قرار دارد، مهم آن است که کشور ما نیازمند جهش اقتصادی است. اگر نامگذاری این سال با رویکرد اقتصادی انجام میشود، به این معنا نیست که اقتصاد اصل است و توجه نظام از امور سیاسی، فرهنگی و علمی، به مقولات اقتصادی تنزل پیدا کرده است، بلکه وضعیت و ویژگی‌های که جامعه کنونی ایران با آن رو به رو است و باید در آن، متناسب با سایر ابعاد جامعه رشد یابد، اقتصاد است. از این رو، سکندار انقلاب اسلامی، میفرمایند «ملت ایران در این برهه از زمان، جهادش به طور عمده در عرصه اقتصاد است»

در کنار ضرورت داخلی، ضرورت خارجی هم برای انتخاب نام «اقتصاد مقاومتی» وجود دارد و به نظر میرسد که ضرورت خارجی تا حدودی از ضرورت داخلی هم مهمتر است. برنامه ریزی های توسعه و کلان در بیشتر کشورها، اقتصادی است؛ و اغلب مردم جهان به مسائل اقتصادی بیش از سایر مسائل بها میدهند؛ حضور معنویت در زندگی آنها کمرنگ شده است؛ کسانی هم که به معنویت توجه میکنند آن را در حاشیه اقتصاد قرار میدهند. به این نکته هم باید توجه کرد که هر چند دو الگوی مارکسیستی و لیبرالیستی پدیده آمده پس از رنسانس، بر یک ریشه مادی استوار هستند، اما دو شاخه مختلف محسوب میشوند. این دو الگو تلاش میکردند با دو روش مادی متفاوت، کشورها را اداره کنند. الگوی مارکسیسم معتقد به مدیریت دولت به عنوان یک کارفرمای بزرگ بود و شعار «از هر کس به اندازه توانش و به هر کس به اندازه نیازش» را سر میداد؛

یعنی همه متناسب با وضعیت خود باید برای دولت کار کنند و دولت نیز هزینه همه را تأمین کند و آنها را مساوی با یکدیگر پرورش دهد. این سیستم، به دلیل عدم هماهنگی با فطرت بشر ناموفق بود؛ البته شکست آن را باید متأثر از انقلاب اسلامی دانست؛ زیرا انقلاب اسلامی پرچم عدالتخواهی را به دست گرفت و اسوهای شد که الگوی مارکسیستی را از ذهنها حذف کرد.

الگوی لیبرالیستی، که خود را به عنوان پیشرفته ترین و تنها الگوی موفق زندگی معرفی میکرد نیز به تدریج ضعف هایش آشکار شد؛ به نحوی که امروزه در پایگاه اصلی آن یعنی آمریکا، تعداد انبوهی از بانکها، بازار سهام و شرکتهای بزرگ اقتصادی متزلزل یا ورشکسته شده اند؛ تا آنجا که کسری بودجه آمریکا علاوه بر اینکه در دنیا رتبه نخست را دارد، هر لحظه نیز در حال افزایش است.

اجرای این الگو در کشورهای اقماری آمریکا هم که به نوعی هزینه های آن کشور را تأمین میکنند، با مشکل مواجه شده است. در واقع، کشورهایی که به صورت لیبرال دموکراسی با نظام سرمایه داری حرکت میکنند، یک نظام هرمی شکل طبقات مصرفی را به وجود می آورند که قاعده و سطوح پائینی این هرم، کشورهای اقماری است؛ یعنی این کشورها باید هزینه زندگی مجلل کشور محوری را تأمین کنند؛ بنابراین باید کار و مواد اولیه ارزان قیمت را به کشور محور بفرستند و خود بازار فروش محصولات گران بهای کشور محور باشند. گویی کشور محور، فقر خود را به این کشورها صادر میکند.

امروز در کشورهایی که به آمریکا و الگوی لیبرال دموکراسی متصل هستند، انقلاب رخ داده است؛ کشورهایی که حاکمان آنها سالیان دراز، دست نشانده آمریکا و غرب هستند و دیکتاتوری خود را با اتکا به دیکتاتوری جهانی ادامه داده اند. مصر و تونس، مثالهای روشنی بر این مطلب هستند.

مقام معظم رهبری میفرمایند "ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه حل مشکلات اقتصادی به همه دنیا نشان دهیم؛ الگو را بر سر دست بگیریم تا ملتها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه اسلام و با تعالیم اسلام چگونه میتواند پیشرفت کند"

انقلاب اسلامی ایران باید بتواند برای ملتهای خواهان الگوی جدید -چه در کشورهای عربی در حال انقلاب و چه در کشورهای اروپایی- الگویی جامع مبتنی بر آموزههای اسلامی ارائه کند. در این صورت، این الگو با استقبال روبه رو شده و نشان میدهد که اگر به آموزههای اسلام، درست عمل شود، بشر نه تنها آخرت، بلکه در دنیا نیز به آسایش میرسد؛ طبیعی است که اقتصاد از ارکان مهم این الگو است (خلیلی، ۱۳۹۱).

چیستی اقتصاد مقاومتی

اما اقتصاد مقاومتی چیست؟ اصولاً چرا اصطلاح اقتصاد مقاومتی انتخاب شد، اقتصاد مقاومتی یعنی مبارزه؛ یعنی دشمنی در عرصه اقتصاد وجود دارد که باید با آن مبارزه کرد. البته این مبارزه چند وجه دارد:

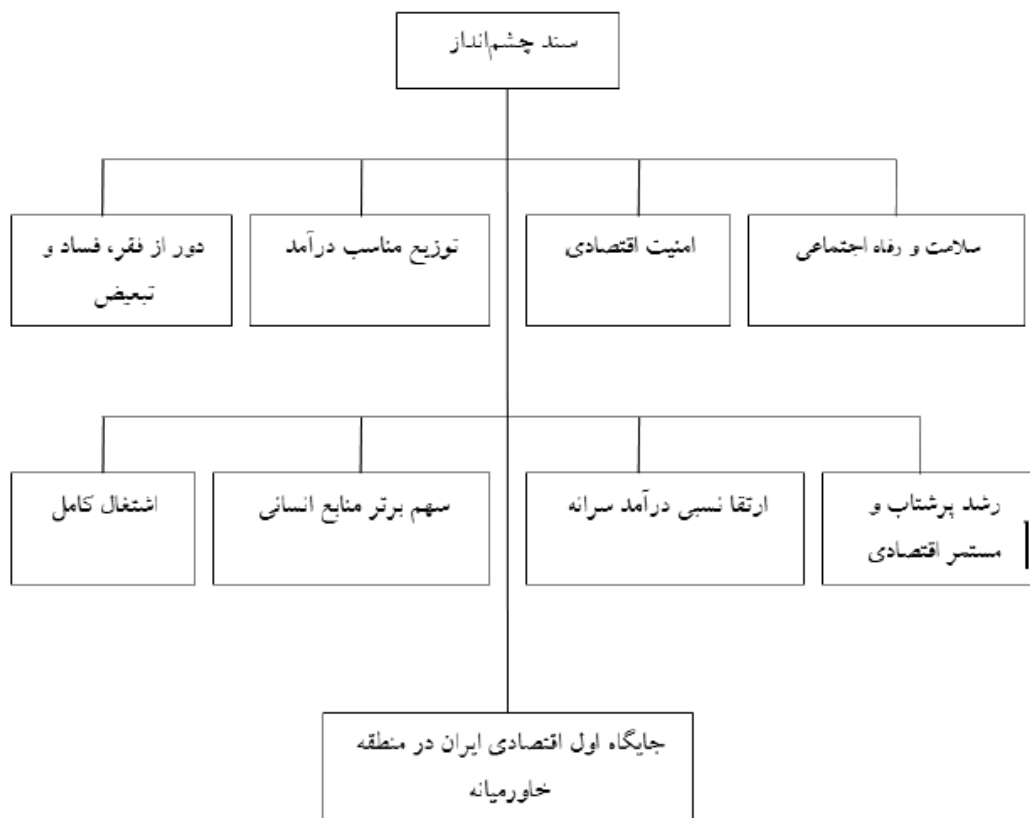
اول اینکه دشمنان خارجی برای مخدوش کردن الگوی انقلاب اسلامی در ذهن مردم داخل و خارج، از طریق اعمال فشارهای مختلف سعی میکنند حرکت اقتصادی کشور را با کندی یا شکست مواجه کنند؛ آشکارترین اعمال فشارها تحریم های اقتصادی علیه ایران است.

همانگونه که مبارزه خالصانه برای خدا شرط اصلی در تحقق جهاد نظامی است، اقتصاد مقاومتی هم باید برای خدا باشد. در جنگ نظامی، رزمندگان اسلام میجنگند تا دشمنان دین و معنویت را از بین ببرند و در این راه آماده اند که شهید و یا جانباز شوند و یا در حین جهاد از رسیدگی به امور دنیایی مانند: درس، کار اقتصادی و یا بازار دست بکشند، اقتصاد مقاومتی نیز همینگونه باید با ایثار و فداکاری در راه خدا همراه باشد. در اقتصاد مقاومتی نیز یک تلاش مستمر، پیگیر و خستگی ناپذیر لازم است؛ همچنانکه رزمندگان جبهه های جنگ، شرط نمیکردند که مثلاً روزی هشت ساعت بجنگند و وقتی ساعت کاری تمام شد، به خانه بروند، اقتصاد مقاومتی نیز کوششی بی وقفه را میطلبد.

اگر کشوری وابسته اقتصادی باشد و برای تأمین آب، نان، انرژی و سوخت خود، محتاج دیگران شود، دچار وابستگی سیاسی و فرهنگی نیز خواهد شد. چنین کشوری برای تأمین مایحتاج اقتصادی، شروطی را متحمل میشود که وابستگی سیاسی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت (خلیلی، ۱۳۹۱).

چگونگی اقتصاد مقاومتی

چگونگی اقتصاد مقاومتی را میتوان در ابعاد مهم اقتصادی همچون تولید، توزیع، مصرف، نظام بانکی، واردات و صادرات بررسی کرد. اما در مقدمه، به بخشهای غیراقتصادی توجه میکنیم (خلیلی، ۱۳۹۱).



تصویر ۱. نقش اقتصاد مقاومتی در تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام (خلیلی، ۱۳۹۱).

اهداف اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی که مد نظر مقام معظم رهبری میباشد دارای اهداف روشن و صریحی است که میتواند برای مردم جامعه آسایش و رفاه به همراه آورد. این اهداف را میتوان به صورت زیر خلاصه کرد:

- تولیدگرایی
- رشد مداوم اقتصادی
- عدالت اقتصادی
- خودکفایی و استقلال اقتصادی

- کسب رفاه عمومی
- اصلاح الگوی مصرف
- حفظ ثبات اقتصادی
- مردمی کردن اقتصاد
- کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی
- حفظ منابع طبیعی
- استفاده بهینه از منابع موجود
- دستیابی به همکاریهای اقتصادی بین المللی
- افزایش صادرات
- کاهش واردات
- پیدا کردن نخبگان و استفاده از دانش آنها (خوشمردان، ۱۳۹۵).

پیش نیازهای تحقق اقتصاد مقاومتی

- فرماندهی متمرکز
- دیدهبانی اقتصاد
- ترویج روحیه جهادی
- طراحی سبک زندگی ایرانی-اسلامی مناسب
- فرهنگ سازی
- تحقق اقتصاد متکی بر مردم
- حمایت از فعالان اقتصادی
- فعال کردن ظرفیتهای بالقوه
- تقویت تعامل و گفتمان سازی (خوشمردان، ۱۳۹۵).

زمینه ها و الزامات لازم برای تحقق اقتصاد مقاومتی

بدیهی است که تحقق هر شعار و شکل گیری هر نهضتی در کشور نیازمند زمینه هایی است طبیعتاً فراگیر شدن حرکت جهادی در اقتصاد کشور نیز نیازمند الزاماتی است که امکان آن را فراهم میکند رهبر معظم انقلاب الزامات شکل گیری اقتصاد مقاومتی را در پنج مورد بر شمرده اند (خلیلی، ۱۳۹۱).

روحیه جهادی

روحیه جهادی در حقیقت چیزی فراتر از انگیزه سازمانی یا سود شخصی است وقتی روحیه جهادی بر کاری حاکم شود دیگر فرد خود را در چارچوب بخشنامه ها و وظایف تعیین شده اداری و یا سود شخصی اش نمی سنجد و طبعاً در آن قالب محدود نیز عمل نمی کند در چنین شرایطی افراد تنها به هدف میاندیشند و تا رسیدن به آن دست از تلاش بر نمی دارند.

«روحیه جهادی لازم است. ملت ما از اول انقلاب تا امروز در هر جایی که با روحیه جهادی وارد میدان شده، پیش رفته؛ این را ما در دفاع مقدس دیدیم، در جهاد سازندگی دیدیم، در حرکت علمی داریم مشاهده میکنیم (خلیلی، ۱۳۹۱).

اگر ما در بخشهای گوناگون، روحیه جهادی داشته باشیم؛ یعنی کار را برای خدا، با جدیت و به صورت خستگی‌ناپذیر انجام دهیم نه فقط به عنوان احساس تکلیف - بلاشک این حرکت پیش خواهد رفت» (خلیلی، ۱۳۹۱).

استحکام معنویت در جامعه

وجود جو ایمانی و مذهبی در جامعه و در میان جوانان نوعی سپردفاعی مستحکم در برابر هرز رفتن استعدادهای آنهاست و اینجاست میتوان تاثیر دینداری را بر رشد و سعادت دنیایی انسان نیز مشاهده کرد

«... استحکام معنویت و روح ایمان و تدین در جامعه است. تدین جامعه، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک میکند.

اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمین گیر می کند، دور خواهند شد؛ استعداد آنها به کار میافتد، کار میکنند، تلاش میکنند؛ در زمینه علم، در زمینه فعالیتهای اجتماعی، در زمینه فعالیتهای سیاسی، کشور پیشرفت می کند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد» (خلیلی، ۱۳۹۱).

پرهیز از توجه اجتماعی به مسائل حاشیه ای

طرح مسائل حاشیه ای و عطف توجه جامعه به آن میتواند انسانها را از هدف اصلی خود باز دارد یا سیر رو به جلو کشور را دچار خلل کند. انگیزه ها را آسیب بزند و حتی افرادی را که سست ترند از نیل به هدف نهایی نا امید سازد.

«مسائل حاشیه ای در کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد. یک شرط دیگر این است که کشور به مسائل حاشیه ای مبتلا نشود. ببینید، در بسیاری از اوقات یک مسئله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسئله اصلی بروند؛ باید مسئله کانونی کشور این باشد؛ اما ناگهان میبینیم از یک گوش های یک صدایی بلند میشود، یک مسئله حاشیه ای درست می کنند، ذهنها متوجه آن میشود». رهبر معظم انقلاب عطف توجه کشور به مسائل حاشیه ای را مانند این میدانند که قطاری در حرکت با سرعت به سمت مسیر خود را برای توجه به نقطه ای در میان راه متوقف کنند دوباره جمع شدن افراد و به حرکت افتادن اینها چه میزان دشوار است؟ و آیا تاخیر پیش آمده جبران خواهد شد؟ (خلیلی، ۱۳۹۱).

اتحاد و انسجام ملی

اتحاد و انسجام در عرصه ملی از عوامل لازم برای حرکت سریع رو به رشد در هر کشوری است و ایران نیز از این مساله مستثنی نیست. پرهیز از حرکات و بیانات تفرقه افکنانه از ضروریات حرکت جامعه در مسیر یک اقتصاد مقاومتی حقیقی است. این مساله کوچک و بزرگ نمی شناسد و در این زمینه آحاد مردم جامعه از عوام گرفته تا مسئولین سیاسی یکسانند و وظیفه دارند که به سهم خود در حفظ وحدت بکوشند. البته در این زمینه اتحاد بین مسئولین نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است که نتیجه آن در هماهنگی و انسجام هر چه بیشتر قوای سه گانه مشاهده خواهد شد.

«یک شرط دیگر، حفظ اتحاد و انسجام ملی است. این اتحادی که امروز در میان مردم و در بین مردم و مسئولین وجود دارد..... بایستی باقی بماند و روزبه روز تقویت شود. یکی از نقشههای دشمنان ملت ایران، ایجاد تفرقه و شکاف در داخلی بوده است (خلیلی، ۱۳۹۱).

پرهیز از نگاه شعاری به مفهوم اقتصاد مقاومتی

آخرین نکته بیان شده از سوی رهبر انقلاب در زمینه الزامات اقتصاد مقاومتی باور کردن و عمل کردن مسئولین است: «آنچه انتظار دارم این است که این شعار را بشنوند، باور کنند و دنبال کنند.» نه برخورد شعاری با آن (خلیلی، ۱۳۹۱).

مؤلفه های لازم برای داشتن اقتصاد مقاومتی

ایجاد شرکتهای دانش بنیان

پرهیز از مصرف کالاهای خارجی

وجود عزم ملی در عبور از تحریم ها و تنگنایهای اقتصادی

اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از اسراف

همت مضاعف و کار مضاعف

جهاد اقتصادی (خوشمردان، ۱۳۹۵).

الزامات حیاتی برای داشتن اقتصاد مقاومتی

کاهش وابستگی به نفت

مردمی کردن اقتصاد

مدیریت مصرف

استفاده از تولید داخلی

استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات

حرکت بر اساس برنامه (خوشمردان، ۱۳۹۵).

شاخص های اقتصاد مقاوم و تاب آور

مخاطره های جهانی میتواند در بسیاری از کشورها به طور همزمان بروز یابد. این مخاطرات می تواند کشورهای دارای مرز مشترک، دارای مشابهت های بنیادین و یا دارای وابستگی به یک سامانه حساس مشابه را درنوردد. متعاقب بلایای بی سابقه در سال های در تعریفی که مدتها در مهندسی استفاده می شود تاب آوری ظرفیت «واجهیدن سریع پس از تنش، تاب آوردن تنشهای شدیدتر، آشفستگی کمتر با مقدار معینی از تنش» است. بدین ترتیب بنابر تعریف کاربردی، «کشور تاب آور» کشوری است که این قابلیت ها را داشته باشد: (۱) سازواری به تغییر موقعیت ها؛ (۲) تاب آوردن در شوک های ناگهانی؛ (۳) خود بازیابی تا یک تعادل مطلوب (خواه تعادل پیشین یا یک تعادل جدید)، و در همان حال، محافظت از تداوم عملیات خود. این سه مؤلفه، هم متضمن بازیابی پذیری (قابلیت بازیابی سریع پس از یک بحران) و هم سازواری پذیری (سازواری به هنگام در پاسخ به محیط متغیر) هستند.

نهادها، سیاستها، و عواملی که تعیین کننده ی سطح بهره وری کشور است نمایانگر رقابت پذیری و سطح تاب آوری آن کشور است. سطح بهره وری به نوبه ای خود، تعیین کننده ی میزان رونقی است که اقتصاد میتواند کسب کند. سطح بهره وری

همچنین نرخ های بازگشت کسب شده از سرمایه گذاری در یک اقتصاد را نیز مشخص میسازد، که باز پیشرانهای بنیادین نرخ رشد هستند. به عبارت دیگر اقتصاد رقابت پذیرتر، آنی است که محتملا رشد را پایدار سازد. بنابراین مفهوم رقابت پذیری اجزای ایستا و پویا دارد. گرچه بهره وری هر کشوری تعیین کننده ی توانایی آن در مداوم سازی سطح بالای درآمد است، از تعیین کننده های محوری بازگشت سرمایه ی آن نیز می باشد، که این نیز یکی از عوامل کلیدی تبیین کننده ی پتانسیل رشد یک اقتصاد است.

جدول ۱- شاخص های اقتصاد مقاوم و تاب آور

زیر شاخص الزامات پایه	زیر شاخص ارتقا دهنده های کارایی	زیر شاخص نوآوری و پیشرفتگی
بعد ۱ - نهادها بعد ۲ - زیر ساخت ها بعد ۳ - محیط اقتصاد کلانی بعد ۴ - سلامت و آموزش ابتدایی	بعد ۵ - آموزش و کارآموزی تکمیلی بعد ۶ - کارایی بازار کالا بعد ۷ - کارایی بازار کار بعد ۸ - توسعه ی بازار مالی بعد ۹ - آمادگی تکنولوژیکی بعد ۱۰ - اندازه ی بازار	بعد ۱۱ - پیشرفتگی کسب و کار بعد ۱۲ - نوآوری
اقتصادهای متکی به عامل	اقتصادهای متکی به کارایی	اقتصادهای متکی به نوآوری

گزارش حاضر در ادامه به تعریف شاخص های قابل اندازه گیری در خصوص استقرار سامانه های پی گیری مفاد منویات مقام معظم رهبری در بازار سرمایه می پردازد.

الف. شاخصهای مبتنی بر کیفیت نهادها

۱. رشد تعداد شرکت های پذیرفته شده در بازار سرمایه

۲. رشد ترکیب سهام شناور

۳. رشد ارزش سبد صندوقهای قابل معامله؛ این شاخص نشانگر میزان رشد مالکیت غیرمستقیم مردم در شرکتهای بورسی و فرابورسی است.

۴. رشد جرایم نقض حقوق مالکیت در بازار سرمایه

۵. امتیاز افشا شرکتی (امتیاز اطلاع رسانی)

ب. شاخصهای مبتنی بر کیفیت زیرساختها

۱. رشد تأمین مالی زیر ساختها

۱.۱. رشد ارزش صندوقهای قابل معامله بخشهای مختلف اقتصادی (صندوق انرژی، صندوق راه و شهرسازی، صندوق بخش معدن، صندوق مدیریت ورزشی و ...)

۱.۲. رشد ارزش صندوقهای پروژه

۱.۳. رشد تأمین مالی زیرساختهای فن آورانه

ج. شاخصهای مبتنی بر متغیرهای اقتصاد کلان

۱. رشد تأمین مالی تولید

۲. رشد ناشی از تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد در بازار سرمایه

۳. رشد اندازه دولت = تولید ناخالص داخلی / مخارج دولت

۴. شاخص اعتبار مالی

۴.۱. ارزش اسناد خزانه اسلامی منتشر شده بر پایه بدهی های دولتی

۴.۲. رشد ارزش داراییهای خارجی

۴.۳. شاخص نکول = تولید ناخالص داخلی / معوقات بانکی

۵. رشد مالیات بازار سرمایه نسبت به کل مالیات دریافتی

د. شاخصهای مبتنی بر فضای کسب و کار

۱. افزایش سیاست های ضد انحصار

۲. رشد هزینه های زمانی رویه اداری شروع کسب و کار

۳. رشد فعالیت شرکتهای کوچک و متوسط

ه. توسعه بازار مالی

۱. رشد حجم بازار سرمایه و سودآوری آن

۲. رشد کمی خدمات مالی (ابزارها و نهادهای مالی)

۳. رشد سرمایه گذاری مشترک در صندوق های قابل معامله

۴. عمق بازار مالی

۴.۱. ارزش بازار / ارزش اوراق بهادار موجود در بازار

۵. نقد شوندگی = تعداد دفعات گردش اوراق بهادار در بازار

۶. ضریب نفوذ بازار = تولید ناخالص داخلی / ارزش بازار

و. شاخص های مبتنی بر رشد تکنولوژی و نوآوری

۱. رشد جذب تکنولوژی خارجی و داخلی
- ۱،۱. انتشار اوراق تأمین مالی تجهیزات (اوراق مرابحه و اوراق استصناع)
۲. رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در پروژه های نیازمند به تکنولوژی
۳. رشد هزینه کرد شرکتها در تحقیق و توسعه
۴. تجاری سازی نتایج تحقیق
- ۴،۱. ارزش بازار دارایی فکری فرابورس ایران
- ۴،۲. رشد سبد سرمایه گذاری صندوق های نوآورانه
- ۴،۳. توفیق سرمایه گذاری خطرپذیر = کل ارزش سبد سرمایه گذاری صندوق های خطرپذیر / عرضه اولیه شرکت های دانش بنیان موجود در سبد سرمایه گذاری صندوق های خطرپذیر.

ز. شاخص های مبتنی بر توسعه پایدار

۱. شاخص تولید ناخالص داخلی سبز
۲. شاخص بازار سبز فرابورس ایران و بورس تهران
۳. ارزش انتشار اوراق اعتبار آلاینده

شاخص های مهم در تشخیص اقتصاد مقاومتی

شاخص های مهم در تشخیص اقتصاد مقاومتی مقام معظم رهبری شکل گیری اقتصاد مقاومتی و رسیدن کشور به هدف در سایه آن را منوط به حصول یک سری ویژگیها میدانند که برخی را در سخنان خود برشمرده اند:

شاخص اصلی: رشد اقتصادی

رهبر انقلاب شاخص اصلی را در تعیین موفقیت یا عدم موفقیت حصول رشد اقتصادی پرشتاب میدانند که حداقل قابل قبول آن میزان پیش بینی شده در برنامه پنجم است.

«آنچه که در این زمینه با عنوان شاخص وجود دارد و مهم است، رشد پرشتاب کشور به میزان تعیین شده ی در برنامه ی پنجم است که اعلام شده است؛ یعنی حداقل رشد هشت درصدی» (خلیلی، ۱۳۹۱).

افزایش بهره وری؛ عامل رسیدن به هدف

یکی از عوامل اصلی رسیدن به رشد اقتصادی بالا در کشور «افزایش بهره وری» است با افزایش بهره وری در اقتصاد بدون افزایش سرمایه گذاری میتوان به تولید و ارزش افزوده بسیار بیشتر دست یافت و این مساله در کشوری که شاخص بهره وری آن به صورت سنتی پایین است بسیار حائز اهمیت است.

کاهش شاخص بیکاری و افزایش اشتغال

شاخص نرخ بیکاری یکی از شاخصهای نشان دهنده میزان رونق اقتصادی در کشور است و طبیعی است که در یک اقتصاد پویا و رو به رشد این شاخص روند کاهشی خواهد داشت. زیرا در پی رونق اقتصادی و گسترش تولید تعداد بیشتری از مشاغل و نیروی کار لازم خواهد بود.

« کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال در کشور، از جمله مسائل بسیار اساسی و مهم است» (خلیلی، ۱۳۹۱).

شاخص گسترش فعالیت بخش خصوصی

کاسته شدن از حجم تصدی دولت در اقتصاد که به منزله افزایش فعالیت بخش خصوصی و تعاونی است همواره از عوامل اصلی افزایش بهره وری و رشد اقتصادی و حرکت به سمت رونق در اقتصاد محسوب شده است. طبیعی است در کشوری که حجم تصدی بخش دولتی در اقتصاد زیاد است برای حرکت به این سمت بخش خصوصی نیازمند کمک و حمایت هایی است که توان رقابت و حضور در کنار رقیبی چون دولت را داشته باشد. حضور بخش خصوصی در عرصه های مختلف به افزایش سرمایه گذاری کشور کمک مینماید و سبب تحول جدی در مدیریت رو به رشد اقتصادی میگردد.

«مسئله افزایش سرمایه گذاری بخش خصوصی و کمک به بخش خصوصی که بتواند در زمینه ی مسائل اقتصادی کشور سرمایه گذاری کند، از جملهی مسائل مهم و اساسی است» (خلیلی، ۱۳۹۱).

تشکیل سرمایه های بزرگ

یکی از شاخص های اصلی در اقتصادهای بزرگ و روبه رشد جهان تشکیل سرمایه های بزرگ است این الزاما به معنی وجود ابر سرمایه داران و شکافهای عظیم طبقاتی نیست بلکه این سرمایه های بزرگ و مجموعه های قدرتمند اقتصادی میتواند از گردهم آمدن تعداد بسیار زیادی سرمایه های کوچک حاصل شود.

« ... یکی از کارهای مهم در این باب، ایجاد تعاونی هاست، که به وسیله ی تعاونی ها سرمایه های بزرگ تشکیل بشود و بتوانند در مسائل مهم اقتصادی کشور سرمایه گذاری کنند و گره های مهم را باز کنند و دولت بتواند این کار را انجام دهد. بایستی زیرساختهای حقوقی و قانونیاش آماده شود. این، یعنی حمایت از شکوفائی کار» (خلیلی، ۱۳۹۱).

استفاده بهینه از منابع یا صرفه جویی در مواد اساسی

استفاده صحیح با حداکثری از منابع موجود در کشور خود عامل بسیار مهمی در رشد و پیشرفت کشور است. شاید بتوان گفت که میزان هدر رفت هر یک از منابع اساسی مثل آب یا انرژی که با هزینه بالایی در کشورها در اختیار مصرف کنندگان خانگی صنعتی یا کشاورزی قرار میگیرد خود از شاخص های مهم نشان دهنده وضعیت اقتصاد یک کشور در حرکت رو به رشد خود است فقط توجه به این نکته که ۹۰٪ از آب مورد استفاده در بخش کشاورزی در ایران هدر می رود در کنار دانستن این نکته که ۹۰٪ آب موجود در شبکههای آبرسانی کشور در اختیار بخش کشاورزی قرار میگیرد نشان دهنده تحولات بسیار عظیمی است که در صورت استفاده صحیح از منابع و جلوگیری از هدر رفت میتواند در کشور با این منابع صورت گیرد.

« صرفه جوئی در مواد اساسی، از جمله صرفه جوئی در مصرف آب. امروز نود درصد آبی که ما در کشور مصرف می کنیم، در بخش کشاورزی مصرف میشود. اگر دولت به توفیق الهی بتواند شیوه های آبیاری کشاورزی را اصلاح کند، اگر از این نود درصد، ده درصد کم بشود، شما ببینید چه اتفاقی میافتد. در واقع امکانات بهره برداری از آب در بخش غیر کشاورزی دو برابر میشود؛ که این بسیار چیز مهم و با ارزشی است» (خلیلی، ۱۳۹۱).

مشارکت مستقیم مردم

« مشارکت مستقیم مردم در امر اقتصاد، لازم است. این نیازمند توانمند شدن است، نیازمند اطلاعات لازم است؛ که اینها را باید مسئولین در اختیار مردم بگذارند و امیدواریم انشاءالله این روند روزبه روز توسعه پیدا کند...البته رسانه ها نقش دارند، رادیو و تلویزیون نقش دارند، میتوانند مردم را آگاه کنند؛ دولت هم باید فعال برخورد کند و بتوانند انشاءالله مسئله اقتصادی را پیش ببرند» (خلیلی، ۱۳۹۱).

مهمترین محورهای اساسی و مهم اقتصاد مقاومتی**حمایت از تولید ملی**

از ابتدای سال، تأکید مقام معظم رهبری بر ضرورت تداوم تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی مبین ۳ وظیفه برای دولت، دست اندرکاران تولید و مردم می باشد، ۳ حلقه ای که نحوه تعامل آنها بر روی هم تأثیر مستقیم دارد و نتیجه نهایی آن به این تعامل وابسته است؛ یعنی هر چقدر که مردم را تشویق به خرید کالای داخلی کنیم، اما کیفیت تولید کالای داخلی پایین باشد در عمل مردم به خرید کالای تولید داخلی رغبت نخواهند داشت. اگر هم تلاش کند، اما دولت و سیستم بانکی کشور خدمات پولی و مالی ارائه ندهند و یا قوانین اقتصادی فضای کسب و کار را دشوار کند و یا مردم نسبت به کالای داخلی بی رغبت باشند، بازهم نتیجه منفی خواهد بود. بنابراین، باید تمام ارتباطات این ۳ حلقه باهم اصلاح شده و در راستای افزایش تولید ملی بهبود پیدا کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۱).

سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

محدودسازی اقتصاد دولتی و آزاد سازی اقتصاد، از پیامدهای مهم اصل ۴۴ قانون اساسی است. اقتصاد مقاومتی فعال و پویا نیازمند برنامه ریزی استراتژیک و راهبردی، مبتنی بر مردمی کردن اقتصاد از طریق میدان دادن بیشتر به فعالان بخش خصوصی و رفع موانع و مشکلات این بخش میباشد. بخش خصوصی به عنوان موتور و محرک اصلی رشد اقتصادی و صنعتی است که با به کارگیری سرمایه خود و جذب و مشارکت سرمایه های غیردولتی، استفاده بهینه از منابع انسانی و اعمال مدیریت کار آمد، ضمن ایفای نقش خود در رشد اقتصادی و صنعتی کشور می تواند اهداف توسعه ای دولت را محقق نماید. اقتصاد مقاومتی بر پایه و اساس سرمایه معنوی افراد و جامعه استوار است و بخش خصوصی بدون شک برترین بستر برای همراهی مردم، به عنوان اصلی ترین ارکان مقاومت در جامعه برای مقابله در برابر تحریم هاست.

توجه به نخبگان و استفاده از فناوریها و تکنولوژیهای نوین

نخبه به فرد برجسته و کار آمدی اطلاق می شود که اثرگذاری وی در تولید علم، هنر و فناوری کشور محسوس باشد و هوش، خلاقیت، کارآفرینی و نبوغ فکری وی در راستای تولید دانش و نوآوری موجب سرعت بخشیدن به رشد و توسعه علمی و متوازن کشور گردد. زمانی که فناوری های نوین مشمول تحریم قرار می گیرند و کشورهای دشمن اجازه نمی دهند این فناوری ها به ایران برسند، اگر از نخبگان حمایت شود میتوان این فناوری ها را تبدیل به فعالیت تجاری کرد. فراهم نمودن زمینه ها و امکانات مناسب برای نخبگان در عرصه صنعت، تجارت و کشاورزی از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی است.

راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی

شناسایی نقاط ضعف کشور در اقتصاد مقاومتی و تبدیل آن به نقاط قوت، یکی دیگر از الزامات کشور در رسیدن به جایگاه واقعی اقتصاد در عرصه جهانی و تحقق آن می باشد. برای تحقق اقتصاد مقاومتی لازم است تعامل و همکاری سازندهای بین مردم و دولت صورت گیرد. از مهمترین وظایف دولت در تحقق اقتصاد مقاومتی میتوان به موارد زیر اشاره نمود:

تثبیت شدت نوسانات نرخ ارز

یکی از مل زومات تحقق اقتصاد مقاومتی، تثبیت نرخ ارز در بازار است. نوسانات موجود در بازار ارز زمینه نابسامانی در امر تولید، عرضه و مصرف کالا را فراهم می سازد و در یک جمله بازار را دچار اختلال می کند. از این رو، دولت به عنوان اصلی ترین مقام تصمیم گیری در سیاست های مالی و ارزی کشور می تواند بخش قابل توجهی از نوسانات موجود در بازار ارز را با تدابیر پیشگیرانه و اتخاذ سیاستهای مناسب به حداقل رساند تا در آینده اقتصاد کشور دچار شوک های شدید ناشی از اتخاذ تدابیر سطحی و زود گذر نشود. توزیع مناسب و به اندازه ارز در بازار، توجه به صنایع و مایحتاج عمومی مردم، در اولویت قرارگرفتن اخذ ارز مورد نیاز، تعیین نرخ مرجع مناسب باتوجه به شرایط بازار و... می تواند بخشی از تدابیر دوراندیشانه دولت در کنترل قیمت و بازار ارز محسوب شود. ازاین رو، لازم است بخش های تأثیرگذار بر بازار با اعتماد به نظرات کارشناسان دلسوز اقتصادی، زمینه را برای تحقق اقتصاد مقاومتی به عنوان شاه کلید عبور کشتی نظام از حوادث پیش روی خود بیش از پیش فراهم نمایند.

افزایش سطح اشتغال

اشتغال درکشور امنیت عمومی را در پی خواهد داشت که میتواند مشکلات فرهنگی را نیز مرتفع کند. بنابراین، ایجاد فرصتهای شغلی از سوی دولت امری ضروری تلقی می گردد. درشرایط کنونی افزایش فرصت های شغلی یکی از الزامات و اقدامات مهم مقامات مسئول دردولت محسوب می شود، چرا که در راستای دستیابی به اقتصاد مقاومتی، نیازمند نیروی کار بیشتر درکشور هستیم. ازجمله راهکارهای لازم برای رفع موانع اشتغال زایی عبارتند از تغییر نگرش دولت به بخش خصوصی، ایجاد امنیت اقتصادی، مبارزه با مفاسد اداری، کنترل مهاجرت از روستاها به شهرها و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و کنترل اقتصاد زیرزمینی.

تثبیت سطح عمومی قیمتها

یکی از زیرساخت های اقتصاد مقاومتی، مسئله تورم است. افزایش نرخ تورم منجر به کاهش قدرت رقابت پذیری کالاها و خدمات داخلی شده و در نتیجه آن تولید و بازدهی آن کاهش و بیکاری افزایش می یابد. درنتیجه بالا رفتن نرخ بیکاری در جامعه و افزایش مفاسد اجتماعی، هزینه های اجتماعی و سیاسی و امنیتی کشور افزایش یافته و این مسئله کشور را از تحقق اقتصاد مقاومتی دور خواهد کرد.

ارتقای سهم بخش خصوصی در اقتصاد

تجربه کشورهایی که موفق به کوچک سازی بخش تشکیلاتی دولت های خود شده اند، نشان می دهد که این کشورها به نتایج بسیار ارزنده ای از نظراجرای با کیفیت کارهای کلان خود دست یافته اند. به نظر میرسد نقش پررنگ دولت نیز در اداره کارها میبایست کاهش یابد و به جای آن روند نظارت بر کارها و هدایت امورتوسط دولت توسعه یابد. دولت به عنوان ارکان اجرایی و تصمیم ساز که ابزارهای لازم اقتصادی را در اختیار دارد، میتواند حرکات کیفیتری را درتمام عرصه ها از خود نشان دهد.

مدیریت مصرف

امروزه تعادل در مصرف یک حرکت جهادی است و مردم باید موضوع پرهیز ازاسراف و استفاده از تولیدات داخلی را جدی بگیرند. جلوگیری از هرگونه اسراف و تبذیر، مهمترین اصل در ارائه یک الگوی اسلامی مصرف است. از این رو خداوند درآیه ۶۷ سوره فرقان، حرکت در مداری به دور از افراط و تفریط را رسیدن به پایداری دانسته است. پس فرد یا جامعه ای که در

مسیر پایداری در مصرف حرکت کند به پایداری در اقتصاد می رسد و جامعه به همان مطلوب یعنی اقتصاد سالم ، شکوفا و مقاومتی دست خواهد یافت.

قناعت(ساده زیستی و دوری از تجملات)

اقتصاد مبتنی بر قناعت به معنای مصرف به مقدار کفایت است که مهم ترین عامل در ایجاد آسایش پایدار و راحتی دانسته شده است . مردم جامعه باید تفکر خود را نسبت به مصرف تغییر دهند و از مصرف گرایی و هزینه های غیرضروری در همه موارد خودداری کنند.

ترجیح مصرف کالای داخلی بر کالای خارجی

مردم حق استفاده از کالای باکیفیت را دارند اما ترجیحا باید کالای ساخت داخل را مصرف کنند و این امر نیازمند تحکیم نگاه علمی است ، به نحوی که تولیدکنندگان عرصه تولید، دولت و دانشگاهها می بایست حلقه ارتباط صمیمی و تعامل پایداری با یکدیگر داشته باشند زیرا صیانت از اعتبار تولید داخلی در عرصه جهانی وظیفه ملی و اسلامی است (سایت تبیان).

راهکارهای موردی تحقق اقتصاد مقاومتی

- ۱- برای اقتصاد مقاومتی باید فرهنگسازی شود.
- ۲- اقتصاد مقاومتی باید از آموزش خانواده ها و کارکنان ادارات شروع شود.
- ۳- اطلاع رسانی هدفمند به مردم و توانسازی آنان برای مشارکت در اموراتصادی و جلب اعتماد آنان
- ۴- شناسایی دقیق نقاط ضعف اقتصادی کشور و تلاش برای برطرف کردن آن
- ۵- مبارزه با فساد مالی
- ۶- زمینه سازی برای افزایش صادرات غیر نفتی
- ۷- آمایش سرزمینی و ایجاد توازن منطقیهای در راستای ایجاد عدالت
- ۸- تعامل هدفمند با اقتصاد بین المللی به ویژه کشورهای همجوار با هدف تقویت ظرفیتهای و قابلیتهای داخلی
- ۹- خود باوری ملی و مقابله با تحریمها از طریق تقویت تولید داخلی و کاهش وابستگیها
- ۱۰- اصلاح الگوی مصرف و کاهش هدر رفت منابع و مدیریت صحیح آنها کاهش هزینه های دولت تبیین حرکت جهادگونه اقتصاد در بیانات مقام معظم رهبری
- ۱۱ - آسیب شناسی سیاستهای اقتصادی باید بر محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باشد نه الگوهای غربی توسعه
- ۱۲ - اقتصاد مقاومتی زمانی در مسیر صحیح خود قرار میگیرد که رفتار نهادهای اقتصادی مانع از انباشت ثروت در دست عده ای محدود شود و دسترسی به امکانات را برای همه فعالان اقتصادی فراهم سازد.
- ۱۳ - حق برخورداری برابر از فرصتها و امکانات در جامعه
- ۱۴ - تناسب درآمد و پاداش با سعی و تلاش

۱۵ - ارتقای سطح کیفیت کالاها و خدمات داخلی و مقابله جدی با قاچاق کالا که متأسفانه فرصتهای شغلی جامعه را میگیرد.

۱۶ - اجرای دقیق طرح هدفمندسازی یارانه ها

۱۷ - بهبود فضای کسب و کار و اشتغال زایی

۱۸ - اجرای دقیق قانون سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی از طریق بسترسازی مناسب برای مشارکت و فعالیت بخشهای خصوصی و تعاونی در اقتصاد و کاهش تصدیگری و افزایش نقش سیاستگذاری و نظارتی دولت (خلیلی، ۱۳۹۱).

الگوهای اقتصاد مقاومتی

در خصوص اقتصاد مقاومتی میتوان ۵ الگو به صورت زیر ارائه داد:

اقتصاد موازی

الگوی اول از اقتصاد مقاومتی الگوی اقتصاد موازی است؛ یعنی هماهنگی که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز می بایست برای تأمین اهداف انقلاب این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادسازی های مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که در عمل از عهده نهادهای رسمی اقتصادی برنمی آید. به عنوان مثال میتوان از حضور همزمان نهادهای دولتی، سازمان های مردم نهاد، خیریه و بنگاه های خصوصی در عرصه بهداشت و سلامت یا حتی در عرصه دفاعی و امنیتی کشورهای توسعه یافته غربی نام برد. البته مهم ترین محدودیت این الگو این است که حسب نیازهای خاص انقلاب اسلامی و در عرصه اجرا با پرسش های نوینی رو برو خواهد بود، زیرا به عنوان مثال هیچ تصویری از بانک مرکزی موازی در یک کشور و سامان بخشی به عرصه پولی-مالی کشور در بخشهای دولتی و عمومی وجود ندارد، اما باز هم نمیتوان این الگو را در زمره مدلهای اداره نشدنی و غیرمعمول به حساب آورد (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۳).

اقتصاد ترمیمی

الگوی دوم از اقتصاد مقاومتی عبارت از اقتصادی است که در پی مقاوم سازی، آسیب زدایی، خلل گیری و ترمیم ساختارها و نهادهای اقتصادی است. ترمیم و مقاوم سازی ساختارهای اجرایی و اداری کشور بر حسب نیازهای مختلف و مقتضیات زمان و مکان هم امری دور از ذهن نیست. کشورهای توسعه یافته نیز در دوره هایی از تاریخ اقتصادی خود مجبور به مقاوم سازی ساختارهای اقتصادی شدند؛ به عنوان مثال غرب پس از ۲ شوک نفتی ۱۹۷۹ و ۱۹۸۳، اقدام به جایگزینی سوخت های فسیلی با سایر سوخت های نوین نمود به طوری که امروزه با قیمت های بالای ۱۰۰ دلار نیز دچار شوک نفتی نمیشود (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۳).

اقتصاد دفاعی

الگوی سوم از اقتصاد مقاومتی، متوجه هجمه شناسی، آفندشناسی و پدافندشناسی ما در برابر آن هجمه است. بنابراین زمانی که اقتصاد مقاومتی دست یافته ایم که ابزارها و شیوه های هجمه دشمن را پیشاپیش شناخته باشیم و بر اساس آنها استراتژی مقاومت خود را علیه آنان تدوین و اجرا کنیم. بدیهی است تا آفند دشمن شناخته نشود، مقاومت متناسب با آن نیز طراحی و اجرا نخواهد شد (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۳).

اقتصاد الگو

چهارمین الگو نیز این است که اساساً اقتصاد مقاومتی تنها یک رویکرد کوتاه مدت سلبی و اقدامی پدافندی نیست؛ بر خلاف ۳ الگوی قبلی که اقتصاد مقاومتی را یا پدافندی یا کوتاه مدت می دانستند، این رویکرد چشم اندازی کلان به اقتصاد جمهوری اسلامی ایران دارد و یک اقدام بلندمدت را شامل می شود. در این رویکرد ما در پی اقتصاد ایده آلی هستیم که هم اسلامی باشد و هم ما را به جایگاه نخست اقتصاد منطقه برساند؛ اقتصادی که برای جهان اسلام الهام بخش و کار آمد بوده و زمینه ساز تشکیل تمدن بزرگ اسلامی باشد. بر این اساس در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، یکی از مؤلفه های مهم الگو می بایست متضمن مقاومت و تحقق آن باشد. در این مقوله است که اقتصاد مقاومتی مشتمل بر اقتصاد کارآفرینی و ریسکپذیری و نوآوری میشود (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۳).

اقتصاد کارآفرینی و تحقیق و توسعه

پنجمین الگو از اقتصاد مقاومتی، مسئله کار آفرینی و فرایند تحقیق و توسعه است. در این بخش که نقطه عطف تمام این موارد پنجگانه محسوب می شود، اصل بحث مربوط به نوآوری و تحقیق و توسعه و همچنین کارآفرینی داخلی است. در این زمینه باید برنامه ریزی جامع و مدونی انجام شود تا هم زمینه تحقیق و توسعه فراهم شود و فرایند تخصیص بودجه برای این کار اصلاح و تسهیل شده و زمینه های کارکردی آن نیز مورد توجه قرار گیرد و هم تدابیری اندیشیده شود که متخصصان و استعداد های برتر در داخل کشور جذب شوند و امکاناتی در اختیارشان قرار گیرد تا رغبت این افراد برای فعالیت در داخل کشور افزایش یافته و تکنولوژی که در کشورهای پیشرفته به طور مرتب در حال به روز شدن است در داخل و با استفاده از تقویت فرایند تحقیق و توسعه انجام شود (مشایخ و همکاران، ۱۳۹۳).

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکتها و فعالان تولید دانش بنیان (هشتم مرداد ۱۳۹۱؛ نهم رمضان المبارک ۱۴۳۳)

در تاریخ هشتم مرداد ماه سال ۱۳۹۱ برای اولین بار دیدار شرکتها و فعالان تولید دانش بنیان با مقام معظم رهبری و با حضور حدود ۵۰۰ نفر از نمایندگان شرکتهای دانش بنیان تشکیل شد. مشروح سخنان ارزشمند رهبر فرزانه انقلاب به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً خیلی خوش آمدید دوستان، برادران، خواهران و مسئولان. من امیدوار هستم که این جلسه و جلسات مشابه این بتواند کمک کند به آن نیاز اساسی ای که امروز کشور ما دارد، که عبارت است از توسعه ی دانش، تحقیقات، فناوری و پرورش استعدادها و جاری شدن روزافزون محصول استعدادهای برجسته ی ملت ما در زندگی آحاد مردم در کشور. جلسه ی امروز با هدف تقویت شرکت های دانش بنیان و به طور کلی نوآوری در دانش و فناوری و تقویت ورود محصولات این شرکتها به بازار و مصرف، تشکیل شد. خب، دوستان مطالب بسیار خوبی را بیان کردند. خوشبختانه در جلسه، مسئولین حضور دارند و پیشنهادهای را شنیدند. البته دوستانی که در قالب پیشنهاد صحبت کردند، برخی گلایه ها را هم مطرح کردند که به نظر من حق به جانب آنهاست. گلایه ها، گلایه های درستی است؛ برطرف شدن آنها هم با توجه به همین پیشنهادهای خواهد بود. خب، مسئولین، اینجا حضور دارند؛

معاون محترم رئیس جمهور و برخی وزیران مرتبط با این مسائل و همچنین بعضی مسئولان دیگر در جلسه هستند و مطالب را شنیدند. آنچه که در این جلسه گفته شد، انشاءالله و به توفیق الهی جمع بندی و دنبال هم خواهد شد. البته توقعاتی هم از دستگاه رهبری مطرح شد، که ما انشاءالله همه ی آنها را دنبال خواهیم کرد؛ چه آن چیزهایی که ارتباط به دستگاه های دولتی

و اجرائی دارد - که ما باید تأکید کنیم - چه آن چیزهایی که به نحوی مرتبط با خود دستگاه رهبری است. انشاءالله ما اینها را دنبال میکنیم. البته من نمونه هایی از پیشنهادها و انتظاراتی که دوستان مطرح کردند، اینجا یادداشت کردم؛ که به نظر من غالباً انتظارات درستی است و امیدواریم انشاءالله به اینها رسیدگی شود. من به بعضی از این پیشنهادها و انتظارات هم اشاره خواهم کرد.

بی پایان بودن سرمایه ی علم

آنچه که ما بر آن اصرار میورزیم و تأکید میکنیم، این است که علم برای کشور، یک سرمایه ی بی پایان و تمام نشدنی است. اگر چرخه ی تولید علم در یک کشوری به راه افتاد، اگر استعدادی وجود داشت و به جریان افتاد، اگر ظرفیت ها شروع کرد به بروز و ظهور، آن وقت این دیگر منبع تمام نشدنی است. علم یک پدیده ی درونزاست؛ چیزی نیست که انسان برای آن ناچار و ناگزیر باشد وابسته شود. بله، اگر شما بخواهید علم حاضر و آماده را بگیرید، همین است؛ وابستگی دارد، احتیاج دارد، دست دراز کردن دارد؛ اما بعد از آنکه بنیان علمی در یک کشوری به وجود آمد، استعداد هم در آن کشور وجود داشت، آن وقت حالت چشمه های جوشان را پیدا میکند.

جدی گرفتن علم در بخش های مختلف تا رسیدن به اوج علمی اگر ما بپردازیم به دنبالگیری تحقیق و علم و ژرفنگری و دانش پژوهی، اگر این مسئله در کشور همچنان که بحمدالله چند سالی است جدی گرفته شده و دنبال میشود، با همین شتاب، بلکه با انگیزه ی بیشتر و اهتمام بیشتر دنبال شود، بدون تردید کشور به یک اوجی دست خواهد یافت. با توجه به واقعیاتی که ما مشاهده میکنیم و جلوی چشم ماست، این اوجگیری، این رسیدن به این تعالی مورد نظر و پیشرفت، به هیچ وجه خیال پردازانه نیست؛ واقع گرایانه است؛ تجربه ی این چند سال هم همین را نشان میدهد. در همین آمارهایی که داده شد، ملاحظه کردید که پیشرفت کشور در بخشهای مهم و دانشهای نو و مؤثر در زندگی، با فاصله ی چند سال، پیشرفت چشمگیری بوده است؛ این نشان دهنده ی این است که استعداد و ظرفیت و آمادگی هست. ما باید این مسئله را جدی بگیریم؛ یعنی به مسئله ی علم و تکیه ی به علم در کشور اهمیت بدهیم؛ یعنی این را اساس کار قرار بدهیم. حرف ما در این چند ساله همین است. تولید ثروت به وسیله ی علم اگر چنانچه علم در بخشهای مختلف جدی گرفته شد، آن وقت این شرکتهای دانش بنیان که بر مبنای علم کار میکنند، تولید میکنند و ثروت آفرینی میکنند، خواهند توانست بتدریج اقتصاد کشور را به شکوفائی واقعی برسانند.

عادت کشور به تحصیل ثروت از راه خام فروشی

تحصیل ثروت از راه فروش منابع تمام شدنی مثل نفت و امثال نفت، رونق نیست، پیشرفت نیست؛ این خودگولزدن است. ما در این دام افتادیم. باید اقرار کنیم، قبول کنیم که این یک تله است، یک دام است برای ملت ما. ما دچار خام فروشی شدیم. یک واقعیتی برای ما به ارث گذاشته شد، کشور هم به آن عادت داده شده است. البته در این سالها سعی شده که یک مقداری این اعتیاد مضر برای کشور، کنار گذاشته شود، لیکن به طور کامل پیش نیامده. ما باید اول اعتقاد پیدا کنیم که باید کشور به جایی برسد که بتواند با اختیار، هرگاه اراده کرد، سرچاه های نفت خودش را ببندد؛ ما باید به این باور برسیم. این حالا مسئله ی نفت است. خام فروشی ها در بخشهای مختلف مواد خام و معدنی همچنان وجود دارد؛ و این یکی از ضعفهای ماست، یکی از مشکلات کشور ماست.

تقویت شرکتهای دانش بنیان

ما اگر بخواهیم از این وضعیت نجات پیدا کنیم، بخواهیم به رشد اقتصادی حقیقی نائل شویم، راهش تکیه ی به علم است؛ این هم از راه تقویت همین شرکتهای دانش بنیان، عملی است. ما باید به این سمت برویم. البته کارهایی که انجام گرفته، کارهای

بالرزشی است. گزارشی که معاون محترم رئیس جمهور دادند - که البته من اطلاع نسبتاً کاملی از آنچه که انجام گرفته، قبلاً در ضمن گزارشهای مکتوب به دست آوردم - بسیار دلگرم کننده است؛ نشاندهندهی این است که دستگاههای ما بحمدالله تلاششان در این زمینه خوب است؛ منتها نگاه کنیم، ضعفها را در بخشهای مختلف شناسائی کنیم و سعی کنیم این ضعفها را برطرف کنیم.

تبدیل وجه غالب اقتصاد کشور به اقتصاد دانش بنیان

اگر ما انشاءالله بتوانیم بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایهی دانش را پیش ببریم و به وجه غالب اقتصاد کشور تبدیل کنیم، این نه تنها به کشور قدرت اقتصادی خواهد داد، بلکه قدرت سیاسی هم خواهد داد، قدرت فرهنگی هم خواهد داد. وقتی یک کشوری احساس کرد که با علم خود، با دانش خود میتواند زندگی خود را و ملت خود را اداره کند و به دیگر ملتها خدمت برساند، احساس هویت میکند، احساس شخصیت میکند؛ این درست همان چیزی است که ملتهای مسلمان امروز به آن احتیاج دارند. ملت ما قبل از انقلاب، سالهای متمادی اسیر تضعیف روحیهی خودباوری در میان خود بوده است. از آن وقتی که اول مسئولان دولتی، بعد بتدریج آحاد مردم چشم باز کردند و در مقابل پیشرفت خیره کنندهی علمی غرب مبهوت شدند، بتدریج احساس کمبود، احساس حقارت، احساس خودکمبینی در این کشور و در میان ملت ما ترویج شد. خوشبختانه انقلاب همه چیز را دگرگون کرد؛ از جمله این حالت و این روحیه را دگرگون کرد. بنابراین بنیانگذاری کارهای اقتصادی بر پایهی دانش، هم موجب تقویت روحیه و شخصیت و هویت ملی است، هم قدرت سیاسی. خود استقلال خب، طبیعی است و وجود دارد.

تشویق نخبگان به تشکیل شرکتهای دانش بنیان

آنچه که ما میخواهیم انشاءالله بر این جلسه مترتب شود، به طور کلی دو چیز است: یکی تشویق نخبگان و زبندگان و اهل علم و اهل تحقیق به این که به سمت تشکیل این شرکتهای بروند و همچنین رساندن محصول این شرکتهای و این تحقیقات به بازار و در دسترس مردم قرار دادن و وارد کردن آن در چرخهی تجارت است. این، غرض اول ماست. البته هم افزائی علم و ثروت و دارائی، تعریف ابتدائی این شرکتهاست. بنابراین اهل دانش و کسانی که اهل سرمایه گذاری های مالی هستند، همت کنند و این شرکتهای افزایش پیدا کند. حالا گفته شد که تا پایان برنامه، بیست هزار شرکت تشکیل خواهد شد؛ لیکن تصور من این است که بیش از این بایستی ما در کشور به رقم شرکتهای دانش بنیان اهتمام بورزیم. البته کمیت و کیفیت آنها با هم دیده شود؛ که حالا مسئلهی کیفیت، مسئلهی دیگری است.

برطرف کردن مشکلات شرکتهای دانش بنیان

هدف دوم این است که مشکلات این شرکتهای انشاءالله برطرف شود. مشکلاتی وجود دارد - مشکل نقدینگی هست، مشکل کمک های گوناگون معنوی هست؛ که در این پیشنهادها وجود داشت - دولت میتواند این مشکلات را برطرف کند. همین بخشهایی که مرتبط با این قضیه هستند؛ چه معاونت محترم ریاست جمهوری، چه وزارت های محترم صنایع و علوم و بهداشت و درمان و جهاد کشاورزی و وزارت های که با این قضایا ارتباط پیدا میکنند، میتوانند همکاری کنند، تقسیم مسئولیت کنند، حدود وظایف هر بخشی را تعیین کنند و مشکلات را برطرف کنند.

مشکل تامین منابع مالی

از جملهی چیزهایی که اینجا گفته شد و به نظر من درست هم هست، این است که این سیستمهای سنتی قدیمی اعتبارشناسی، از جمله از سوی بانکها و مراکز پولی، نسبت به این شرکتهای نگاهشان را عوض کنند. مشکل نقدینگی، مشکل مهم این شرکتهاست.

مساله خطرپذیری

از جمله ی چیزهائی که گفته شد - که به نظر ما درست هم هست - مسئله ی لحاظ خطرپذیری در این شرکتهاست؛ چون اگر چنانچه در این شرکتها خطرپذیری نباشد و آمادگی برای مواجهه ی با ریسک وجود نداشته باشد، کار پیش نخواهد رفت. البته راههائی وجود دارد برای اینکه زیان این خطرها، اصل موجودیت این شرکتها را تهدید نکند؛ مثل بیمه های مخصوص و مشخصی که برای این کار باید پیشبینی شود؛ که این هم کار دستگاه های دولتی است. لزوم رصد اختراعات یک مسئله ی مهم این است که دستگاه های دولتی ما اختراعات و ثبت اختراعات را رصد کنند و خود آنها به سراغ صاحبان اختراعات و نخبگان فکری بروند و از آنها بخواهند که همکاری کنند، کمک کنند، تا آنها بتوانند بیایند در ایجاد یک شرکت دانش بنیان در آن بخش مورد نظر سهیم شوند. دستگاه های ما ننشینند که مخترعان به آنها مراجعه کنند، کار بیفتد توی پیچ و خم های اداری و بوروکراسی و مشکلاتی که وجود دارد؛ اینها یقیناً شوقها و استعدادها را تضعیف خواهد کرد. آنطور که من گزارش دارم، خارجیها دارند استعدادهای موجود کشور ما را رصد میکنند؛ هر جایی که به دردشان میخورد، میآیند سرمایه گذاری میکنند و میبرند. خب، استعداد انسانی، نیروی انسانی، ارزشمندترین موجودی یک کشور است. نباید اجازه بدهیم، نباید بگذاریم، «نگذاشتن» هم به این شکل منطقی است که ما زمینه را فراهم کنیم، آماده کنیم، تشویق کنیم، دستگیری کنیم، آنها را وادار کنیم، آنها را وارد میدان کنیم که مشغول بشوند، دلگرم بشوند؛ آن وقت در آن صورت، این همان چشمهی جوشان تمام نشدنی خواهد بود که پیش می آید.

اجرای قانون حمایت از شرکتهای دانش بنیان

از جمله ی مطالبی که گفته شد و درست هم هست، همین مسئله ی اجرای قانون حمایت از شرکتهای دانش بنیان است که دو سه سالی است تصویب شده. دولت لایحه ای داد، مجلس هم تصویب کرد. البته آئین نامه ی اجرائی آن هنوز تصویب نشده، ابلاغ نشده؛ این کار باید سریع انجام بگیرد. انشاءالله مسئولین دولتی که اینجا تشریف دارند، این را دنبال کنند. برای این کار مبلغی هم در نظر گرفتند، ایجاد صندوقی هم تصویب و آماده شد. اگر انشاءالله آن قانون به کار بیفتد، قطعاً به پیشرفت و توسعه ی شرکتهای دانش بنیان کمک خواهد کرد.

توجه بیشتر به شرکتهای دانش بنیان خصوصی

نکته ی دیگری که مورد اشاره قرار گرفت - که البته در ذهن من هم بود و در گزارشهای که به ما دادهاند، مورد توجه بود - این بود که در کمکهای مالی و پشتیبانیها، شرکتهای دولتی سهم بیشتر را نبرند که بخش خصوصی و شرکتهای غیردولتی پشت در بمانند. اینجا هم من دیدم بعضی از دوستان همین تذکر را دادند؛ در گزارشهای ما هم همین نکته مورد توجه قرار گرفته. کاری کنیم که بخش خصوصی در زمینهی شرکتهای دانش بنیان بتواند به معنای واقعی کلمه روی پای خودش بایستد و رشد کند. اگر چنانچه در این زمینه بخش خصوصی رشد پیدا کرد، به نظر ما منافعش برای کشور بسیار زیاد خواهد بود. دولت نقش حمایت کنندهی خودش و هدایت کننده ی خودش و کمک کنندهی خودش را خواهد داشت؛ لیکن در عرصه، محور حرکت، بخش خصوصی خواهد بود. این هم یکی از نکاتی است که مورد توجه است.

ایجاد بانک اطلاعات

یکی از چیزهای مهمی که وجود دارد، بانک اطلاعات است. یکی از فواید این جلسه همین است که کسانی میآیند اطلاعاتی را در اختیار جمعی از نخبگان و زیدگان و مسئولان میگذارند؛ این کار بایستی عمومیت پیدا کند. باید بانک اطلاعات وجود داشته باشد؛ ما داشته های خودمان را بدانیم، نداشته ها را هم بدانیم؛ چیزهائی که مورد نیاز ماست. بخصوص بعضی از بخشهای دولتی که اینجا از آنها اسم آوردند - مثل نفت، مثل دفاع، مثل کشاورزی - اینها نیازهای بسیار زیادی دارند؛ که اگر

چنانچه این نیازها برای تشکیل دهندگان شرکتهای دانش بنیان معلوم بشود، کسانی که از لحاظ سرمایه گذاری علمی و سرمایه گذاری پولی آماده هستند، میتوانند سراغ این نیازها بیایند و این نیازها را برطرف کنند. پس تشکیل بانک اطلاعات و در معرض گذاشتن اطلاعات لازم برای همه، چیز بسیار لازمی است. یک نکته دیگر هم این است که شرکتهای دانش بنیان در عرصه های مختلف کشور میتوانند فعال شوند؛ چند عرصه محدود را برای این کار نگذارند؛ در همهی مواردی که نیاز وجود دارد، این استعدادها به کار بیفتد و انشاءالله این شرکتهای بتوانند نقش ایفاء کنند.

نقش اقتصاد مقاومتی در پیشرفت ایران

آنچه که من به طور خلاصه در پایان مطالبم میخواهم عرض کنم، این است که هم دانشگاهها، هم دستگاههای دولتی، هم آحاد مردمی که خوشبختانه توانائی واستعداد این کار را دارند، چه از لحاظ علمی، چه از لحاظ توانائیهای مالی، باید تلاش کنند مسئولیت زمان خود و مقطع تاریخی حساس خود را بشناسند و به آن عمل کنند. این که ما عرض کردیم «اقتصاد مقاومتی»، این یک شعار نیست؛ این یک واقعیت است. کشور دارد پیشرفت میکند. ما افقهای بسیار بلند و نویدبخشی را در مقابل خودمان مشاهده میکنیم. خوب، بدیهی است که حرکت به سمت این افقها، معارضها و معارضه هائی هم دارد. بعضی از این معارضه ها انگیزههای اقتصادی دارد،

بعضی انگیزه های سیاسی دارد؛ بعضی منطق های است، بعضی بین المللی است. این معارضه ها در مواردی هم منتهی میشود به همین فشارهای گوناگونی که مشاهده میکنید؛ فشارهای سیاسی، تحریم، غیر تحریم، فشارهای تبلیغاتی - اینها هست - لیکن در لایه های این مشکلات، در وسط این خارها، گامهای استوار و همتها و تصمیم هائی هم وجود دارد که بناست از وسط این خارها عبور کند و خودش را به آن نقطه ی مورد نظر برساند؛ وضع کشور الان اینجوری است. به هیچ وجه ما در بن بست نیستیم؛ به هیچ وجه با مشکلاتی که ما را از تصمیم به ادامه ی راه باز ندارد، مواجه نیستیم؛ چنین مشکلاتی وجود ندارد. بله، مشکلات هست؛ اما همه ی این مشکلات، کوچکتر از تصمیم و اراده و هدفها و آرمانهای این ملت و این کشور است. در بستر نرم و راحتی نمیخواهیم بخوابیم و تکیه بزنییم و استراحت کنیم؛ نه، وسط میدانیم؛ اما این میدان، یک میدان دشوار و در عین حال شوق آفرین است؛ مثل میدان ورزش و مسابقات ورزشی. در میدانهای مسابقات ورزشی خستگی هست، دلهره هم هست، اما شوق آفرین است. هیچ ورزشکاری از حضور در میدان مسابقه ی ورزشی امتناع نمیکند؛ بلکه با شوق میروند آنجا. این کار زحمت هم دارد - فشار جسمی، فشار عصبی - در عین حال ورزشکاران میروند. وضعیت ما اینجوری است. عرصه، عرصه ی حرکت عمومی و ماندگار تاریخی ملت است. از لحاظ تاریخی، حرکت امروز ما یک حرکت ماندگار است. یعنی سرنوشت ایران را امروز ملت ما شاید برای قرنهای دارند رقم میزنند و معین میکنند. همیشه چنین موقعیتی پیش نمی آید؛ در همهی مقاطع تاریخی، این وضعیت پیش نمی آید؛ در زمان ما خوشبختانه پیش آمده. این انقلاب، کشور را و ملت را در معرض یک حرکت مؤثر ماندگار طولانی و تاریخی قرار داده.

شرکتهای دانش بنیان: از بهترین مظاهر اقتصاد مقاومتی

خب، ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفاء کنیم. یکی از بخش های ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، کارشکنی دشمن، خباثت دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شماسست؛ همین شرکتهای دانش بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از مؤثرترین مؤلفه های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد.

آینده انشاءالله آینده‌ی روشنی است. امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد؛ به مسئولین محترم و عزیز ما هم انشاءالله توفیق بدهد که بتوانند نقش خودشان را ایفاء کنند؛ شما هم نقش خودتان را ایفاء کنید و این پیشنهادهائی هم که در اینجا مطرح شد، انشاءالله همه در خارج محقق شود و به آنها عمل شود. غالب این پیشنهادها، پیشنهادهای خوبی است؛ انشاءالله این پیشنهادها بررسی و به آنها عمل شود. از خداوند متعال توفیق همه شما را مسئلت میکنیم و امیدواریم فردای ملت ایران از امروز و دیروز او برتر باشد (دفتر سیاست گذاری علم و فناوری، ۱۳۹۱).

جمع بندی از بیانات معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی

موضوعات جهانی اقتصادی و چالش های مختلف اقتصاد کشور موجب شده است که رهبر انقلاب وارد موضوعاتی نظیر دستورات عمل ها و راهکارهای لازم برای برنامه اقتصاد مقاومتی شود. اقتصاد مقاومتی دارای ویژگی های خاصی است که در شرایط کنونی می توان برای مواجهه با دشمنان نظام و شرایط استراتژیک کشور به کار گرفت. اقتصاد مقاومتی به معنای شناسایی حوزه های فشار و تلاش برای کنترل و خنثی سازی آنها و در شرایط ایده آل، تبدیل فشارها به فرصت می باشد.

اقتصاد مقاومتی همسو با کاهش وابستگی و تأکید بر مزیت های تولید داخلی و تلاش برای اتکا به خود است. در ادبیات علمی، از بکارگیری مفهوم اقتصاد مقاومتی مدت زمان زیادی نیست که می گذرد اما میتوان آن را از سخنان رهبر معظم و دیدگاههای متخصصان اقتصاد که اخیراً ارائه شده اند استنباط نمود. این، ابتکار اقتصادی کشوری تحت شرایط خاص است که قصد تولید و توزیع محصولات را دارد و سرمایه گذاری های خاص را در کاهش وابستگی به سایر کشورها تحت شرایط بحرانی انجام می دهد. تأمین محصولات اولیه و نیازهای مردم برای مقاومت در برابر برخی از کشورهایی که تلاش می کنند تا بسیاری از کالاهای مورد نیاز کشور را تحریم کنند، ضروری است. در این راستا، رهبر معظم انقلاب به برخی حقایق روشن کننده اشاره نمودند که باید توسط مسئولین در برنامه ریزی های افق بلند مدت، تقویت بخش خصوصی، تشویق فعالیت نهادهای اقتصادی، تقویت سیستم بانکی کشور و سیستم های دولتی قوه قضائیه و قوه مجریه مدنظر قرار گیرد. همچنین، کاهش وابستگی به صنعت نفت، توجه به صنایع دانش محور و سایر ظرفیت ها در ایران عناصر اصلی اقتصاد مقاومتی هستند و سایر موضوعات نظیر مدیریت مصرف - هم در سیستم های دولتی و هم در سیستم های غیر دولتی - بر رشد اقتصاد مقاومتی تأثیر می گذارد. اقتصاد مقاومتی نوعی از الگوی اقتصادی است که متمایل به استقلال اقتصادی کشور است. چنین اقتصادی معمولاً مخالف اقتصاد وابسته و مصرف گراست و در مقابل اهداف دشمنان حاکمیت مقاومت نموده و سعی می نماید تا ساختارهای اقتصادی موجود را تغییر دهد و آن ها را بر مبنای چشم انداز و اهداف جهانی تطبیق دهد. برای تداوم چنین اقتصادی باید در جهت محدود نمودن استفاده از منابع نفتی و کاهش وابستگی کشور به این منابع حرکت نمود و آگاه بود که اقتصاد مقاومتی زمانی که جنگ اقتصادی و جنگ نرم در جریان است، اثربخش خواهد بود. بر مبنای مطالعات تجربی و نظری، سرمایه نقش مهمی را در رشد و توسعه اقتصادی ایفا میکند. افزایش در اندازه سرمایه هم به صورت مستقیم به عنوان یک عامل تولیدی و هم به صورت غیر مستقیم و با افزایش بهره وری، عامل دیگری در افزایش استخدام، تولید و رفاه است

با توجه به موقعیت مهم و ارزشمند ایران در منطقه و جهان و شرایط خاص منطقه - علی الخصوص بیداری اسلامی - سیستم های ناکارآمد و ضعیفی که کنترل آن ها در دست برخی از کشورهاست با ماهیت ایران متناسب نیست. اقتصاد مقاومتی می تواند تنها راه حل باشد. عناصر، نیازمندی ها و الزامات چنین الگویی باید دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و تبیین شود. البته، مشخص است که این امر نیازمند قدرت بخشی، از میان برداشتن خسارات، بازسازی ساختارها و سازمانهای ناکارآمد و غلبه بر تفکر غلط در برخی سیاست گذاری های اقتصادی، حذف زمینه های فساد اقتصادی و افزایش کیفیت محصولات داخلی با

ارتقاء فضای رقابتی و حذف انحصار و رانت ها که همگی نشان دهنده این است که اقتصاد مقاومتی نیازمند یک تلاش ملی است . میتوان اقدامات و برنامه های زیر را به عنوان گام های اولیه در اقتصاد مقاومتی برشمرد:

- ارتقاء نقش بانک های خصوصی در اقتصاد : به نظر می رسد که در شرایط تحریم، بانک های خصوصی
- تحت فشار و محدودیت کمتری نسبت به بانک های دولتی (یا بانک هایی که سهام آن ها قبلاً به بخش خصوصی واگذار شده است) هستند، بنابراین نقش و وظیفه این بانک ها خصوصاً در حوزه
- فعالیت های مبادلاتی و بین المللی - می تواند مبادلات بانکی بین المللی را کاهش دهد.
- افزایش کیفیت خدمات بانکی : اهمیت این موضوع در اینجاست که پس از رفع تحریم ها، نظام بانکی می تواند به فعالیت های گذشته خود در حوزه عملیات بانکی بین المللی ادامه دهد.
- مدیریت ذخایر معاملاتی : اکنون، تعدادی از بانک های ایرانی در مبادلات بانکی دلار و برخی از بانک های دیگر در مبادلات دلار و یورو تحت تحریم قرار گرفته اند . بنابراین بانک های تحت تحریم باید
- تغییرات مورد نیاز را در ترکیب معاملاتی ذخایر خود ایجاد نموده و سبد جدیدی را انتخاب کنند . ایجاد رابطه با سایر کشورها و بانکهای جدید (که البته دارای اعتبار کمتری هستند) و سرمایه گذاری نیز می تواند مشکلات ایجاد شده در نتیجه تحریم را کاهش دهد.
- سیاست اصلاح اقتصادی : این یکی از وظایف شاخص ها و ساختارهای سیاسی است و دارای اهدافی نظیر بهبود توازن پرداخت ها و کاهش کلاهبرداری، کاهش تورم، خصوصی سازی و آزادسازی اقتصاد، از میان برداشتن سوبسیدها و کاهش مخارج بخش دولتی، افزایش نرخ رشد اقتصادی و طراحی مکانیزم های قیمت و سیستم بازار.
- رهایی از وابستگی به درآمد نفتی، اثبات خودکفایی : مکانیزم های حیطه اقتصادی باید مورد بازبینی قرار گیرد به گونه ای که تمامی مواردی که به وابستگی کشور منجر می شود شناسایی شده و در مورد آن ها تصمیم گیری شود . در موارد کم اهمیت تر، امکان تغییر آن ها و پایین آوردن سطح وابستگی کشور وجود دارد. در موارد خاص نیز امکان جایگزینی کامل وجود دارد.
- جایگزین کردن درآمدهای نفتی با درآمدهای داخلی (نظیر مالیات، درآمدهای ترانزیتی و...)
- افزایش شرکای تجاری از یک شریک اصلی به چندین شریک کوچکتر و . . . (دفتر سیاست گذاری علم و فناوری، ۱۳۹۱).

سیاست های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری برای اقتصاد مقاومتی

رهبر انقلاب سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی را باهدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله، با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درون زا، پیشرو و برون گرا ابلاغ نمودند:

۱. تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.
۲. پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

۳. محور قرار دادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به‌کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
۴. استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
۵. سهم‌بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آن‌ها در ایجاد ارزش به‌ویژه با افزایش سهم سرمایه‌انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.
۶. افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی (به‌ویژه در اقلام وارداتی) و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی باهدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.
۷. تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید برافزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)
۸. مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه‌ریزی برای ارتقاء کیفیت و رقابت‌پذیری در تولید.
۹. اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور باهدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
۱۰. حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش‌آوری مثبت
۱۱. توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری‌های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالاها و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
۱۲. افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از نفت و گاز
۱۳. افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت‌های تولید نفت و گاز به‌ویژه در میادین مشترک.
۱۴. افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.
۱۵. صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیر ضرور و هزینه‌های زاید.
۱۶. اصلاح نظام درآمدهای دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.
۱۷. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.
۱۸. شفاف‌سازی اقتصاد و سالم‌سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت‌ها و زمینه‌های فسادزا در حوزه‌های پولی، تجاری، ارزی و ...

۱۹. تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۰. تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۱. شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.

۲۲. افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن.

با توجه به بندهای سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، برخی از این بندها ارتباط مستقیم با بازار سرمایه داشته و بازار سرمایه می‌تواند نقشی مهم و کلیدی در تحقق آن‌ها ایفا نماید و برخی بندها نیز به صورت غیرمستقیم به بازار سرمایه ارتباط پیدا می‌کند. در شکل زیر حوزه‌هایی از اقتصاد مقاومتی که به بازار سرمایه ارتباط پیدا می‌کند آمده است. در برخی از این حوزه‌ها چون توسعه کارآفرینی، پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، مدیریت مخاطرات اقتصادی، تقویت نظام مالی، شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن، بازار سرمایه می‌تواند نقشی بسیار مهم و کلیدی داشته باشد و در برخی حوزه‌ها نیز مانند هدفمندسازی یارانه‌ها، حمایت از صادرات کالاها و خدمات، رصد برنامه‌های تحریم، افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز و تأمین امنیت غذا و دارو می‌توان از ظرفیت بازار سرمایه برای تحقق این امور در کنار سایر اقدامات دستگاه‌های اجرایی استفاده نمود (متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۹ بهمن ۱۳۹۲).

آسیب شناسی مسیر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی

در مسیر تحقق هر ایده و نظر، شناخت آسیب‌ها و مشکلات در جهت پیشبینی راهکارهای رفع آنها امری لازم و ضروری است. لذا آسیب شناسی دقیق مسیر تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی بعنوان یک مقدمه برای تحقق الگوی اقتصاد مقاومتی از اهمیت بالایی برخوردار است. تدبیر و برنامه‌ریزی جهت تحقق کامل و موفق این الگو مستلزم رفع آسیب‌های اعتقادی، رفتاری، فرهنگی و روانی موجود است. در ذیل به این آسیب‌ها و علت‌های مربوط به هر کدام پرداخته می‌شود.

آسیب‌های اعتقادی

اولین عامل، بیتوجهی به دستورات اقتصادی اسلام است که ناشی از بیتوجهی به درآمدهای حلال و حرام، دنیاطلبی و... می‌باشد. دومین عامل ربا است که ناشی از نبود مکانیزم قرض الحسنه، منفعت طلبی صرف و... می‌باشد. عامل سوم احتکار است که به دلیل سودجویی، اغراض و اهداف سیاسی و شرایط حاکم بر بازار و... به وجود می‌آید. چهارمین عامل حرص و طمع است که ناشی از عدم میانه‌روی و شرایط اقتصادی جامعه است. پنجمین عامل کمفروشی است که به دلیل سودجویی و مقابله با عدالت اقتصادی می‌باشد. جامعه‌ی اسلامی باید در جهت اصلاح هر کدام از این عوامل اقدام کرده تا مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی هموار گردد.

آسیب‌های رفتاری

این نوع آسیب‌ها عبارتند از مصرف‌گرایی و اسراف، خرید کالای خارجی، بیکاری و ضعف مالیاتی برخی از آسیب‌های موجود که با اصول و شرایط اقتصاد مقاومتی منافات دارد به وضعیت گسترش آنها در رفتارهای اقتصادی افراد برمیگردد و لذا میتوان از

آنها به عنوان آسیب های رفتاری یاد کرد. عوامل مهمی در ایجاد این آسیب نقش دارند که مهمترین آنها عبارتند از خانواده، صدا و سیما و ضعف آموزشی.

آسیب های فرهنگی

این دسته از آسیبها به فرهنگ موجود در جامعه مربوط میشوند و دور شدن هرچه بیشتر از فرهنگ اسلامی، باعث به وجود آمدن آسیب های فرهنگی در نظام فرهنگی جامعه اسلامی میشود. که این آسیب ها عبارتند از تجملگرایی، هم چشی، توقعات بالا و

آسیب های روانی

آرامش و شفافیت یکی از مهمترین نقشها را در رسیدن به اهداف اقتصادی بر عهده دارد بخصوص زمانی که الگوی مورد بحث اقتصاد مقاومتی باشد. بنابراین یکی از موارد برهمزننده و مانع در رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی را میتوان آسیب روانی دانست. آسیب های روانی عبارتند از آشفتگی روانی، شایعه پراکنی و تضعیف نظام اجتماعی (خوشمردان، ۱۳۹۵).

فرهنگ و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی

همانطور که نویسنده مشهور غربی "ساموئل هانتنگتون" گفته است، مؤلفه های فرهنگی عامل اساسی رشد، توسعه و برخورد میان جوامع بشری میباشد و معتقد است علت اساسی در برخورد میان جوامع در دنیای کنونی نه اقتصاد است و نه ایدئولوژی، بلکه مسائل فرهنگی است. بنابراین میتوان مدعی شد که فرهنگ، جایگاه کلیدی در اقتصاد مقاومتی دارد. در تبیین این جایگاه میتوان به روحیه قناعت و پرهیز از مصرفگرایی، توجه به مصرف کالای داخلی و تقویت عقلانیت در جامعه اشاره کرد. بنابراین برای پیشرفت جامعه و حرکت به سمت تعالی باید زمینه های آن در مجریان این پیشرفت ایجاد شود و این زمینه ها چیزی جز فرهنگ جامعه نیست.

در مسئله ی تحول فرهنگی، پیشرفت در همه ی شئون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی زندگی یک جامعه، متکی به فرهنگ آن جامعه است و تا زمانی که فرهنگ جامعه ای موافق با پیشرفت و توسعه نباشد پیشرفت آن جامعه میسر نخواهد بود. پس میتوان گفت این فرهنگ است که شکل دهنده محیط و زمینه ساز تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و حتی تکنولوژیکی است و این دگرگونیهای فرهنگی است که مسیر جوامع را هدایت میکند (خوشمردان، ۱۳۹۵).

الگوی تولیدی جامعه و نقش آن در تحقق اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی بدون رونق تولید ملی و ایجاد فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی، توفیق چندانی نخواهد داشت. تولید ملی بیش از هر موقعیت دیگری برای تحقق اقتصاد مقاومتی یک ضرورت است زیرا میتواند نقش اساسی این مقاومت را بازی کند. اقتصاد که یکی از بنیان های ایستادگی و مقاومتش مقوله تولید ملی است، نباید از مسیر خوداتکایی منحرف شود. در این راستا باید به بهبود فضای کسب و کار که اصلی ترین پیش نیاز رونق تولید ملی است، توجه شده و همچنین مردم با استقبال از کالاهای متنوع و با کیفیت ایرانی به تحقق این مهم کمک کنند. وجود منابع طبیعی متنوع و گسترده، تنوع در شرایط کشاورزی، آبهای زیرزمینی و جاری، قلمرو جغرافیایی گسترده و جمعیت متناسب و روحیه ی پیشرفت خواهی، همه میتواند شرایط یک جهش اقتصادی بزرگ و مقابله با تحریمها را در کشور ما فراهم آورد. مردم نیز باید با اهمیت دادن به تولیدات داخلی و مصرف آن، مشوق سرمایه گذاران و تولیدکنندگان کشور بوده و موجبات دلگرمی آنها را فراهم آورند تا آنها روز به روز بر تنوع و کیفیت محصولات خود بیفزایند. بنابراین برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید ضمن احترام به کار و سرمایه ایرانی، از تولید ملی حمایت واقعی هم از سوی دولتمردان و هم از سوی مصرف کنندگان صورت گیرد (خوشمردان، ۱۳۹۵).

اقتصاد مقاومتی و توسعه اقتصادی اقتصاد مقاومتی

به معنای کاهش آسیب پذیری اقتصاد با تداوم رشد توسعه اقتصادی است و لذا نباید با اقتصاد مقاومتی شعاری و نمایشی برخورد کرد بلکه نهادهای چون سازمان مدیریت و وزارت اقتصاد باید برنامه های بلند مدتی برای تحقق این موضوع داشته باشند.

با تحقق سیاست های اقتصاد مقاومتی در کشور دیگر تحریمها نه تنها مانع رشد و پیشرفت کشور نیست، بلکه باعث خودکفایی در نیازهای ضروری و همین طور اصلاح سازوکارهای معیوب اقتصادی خواهد شد. تحریمها، به خصوص تحریمهای اخیر و کاهش درآمدهای نفتی بر زخم اقتصاد ایران نمک پاشیده و هزینه های اقتصاد ایران را افزایش داده است. اما هر زمان که برنامه ریزیها دقیقتر و مداخله دولت با برنامه و آگاهانه تر بوده است، نتایج تحریم بی اثر و یا کمتر شده است و هر زمان که مدیریت شرایط اقتصادی بدون برنامه و رویکرد مبتنی بر دانایی محوری بوده است؛ حتی در شرایط کاهش تحریمها نتایج بدی به دست آمده است. به طور مثال در صنایع نظامی و صنعت نفت، وجود عزم و اراده ناشی از تنگنایهای تحریم موجب پیشرفتهای چشمگیر شده است، اما در سایر صنایع از جمله خودروسازی، کانالهای مصرفی، لوازم خانگی و منسوجات که به ندرت مشمول تحریمها بوده است یا با پیشرفتهای اندک روبه رو بوده ایم و یا واردات بیرویه و بیبرنامه در چارچوب اقتصاد بازار، منجر به نابودی آن صنعت شده است. بنابراین، میتوان گفت که نه تنها تحریمها در صورت تدبیر مناسب بی اثر خواهند شد، بلکه مانند دو کشور ژاپن و کره که عاری از هرگونه درآمد نفت و منابع طبیعی هستند میتوان با تکیه بر دانایی محوری و وجود الگوی توسعه بومی، عاری از هرگونه فساد به پیشرفتهای شایسته های دست یافت و بیشک اقتصاد مقاومتی در این چارچوب تسهیل کننده آثار تحریمها در راه دستیابی به این هدف است. لذا برای گرفتن راهبرد مناسب توسعه صنعتی در اقتصاد مقاومتی و با وجود تحریمها راه حل های زیر ضروری خواهد بود:

تقویت همبستگی دورنی، حداقل نمودن تنشهای اجتماعی، کاهش تفاوت های درآمدی بین طبقات اجتماع، تحقق عدالت اجتماعی و برابری، دخالت آگاهانه دولت، منع مبادله آزاد سرمایه، ایجاد اقتصاد تولیدی و نه اقتصاد مصرفی، قربانی نمودن خواسته های لحظه ای مصرف کنندگان در مقابل اهداف بلندمدت توسعه، مبارزه بیامان با فساد به خصوص در سطح مسئولان و مدیران و ایجاد دولت عاری از فساد، جانشینی تولیدات خارجی به وسیله محصولات داخلی، جایگزینی تعاونی خالص با رقابت ناسالم درونی و استراتژی حمایت عام از تمام صنایع بخصوص صنایع استراتژیک و نیز کشاورزی، گسترش فناوری و تحقیق و توسعه، ارائه مشوق های صادراتی، مالی و بودجهای و موانع تعرفهای و غیرتعرفهای بر واردات، هدف گذاری صنعتی، ارتقای ساختار صنعتی و کنترل اعتبارات از سوی دولت، حمایت عام از تمام صنایع و بنگاهها در کنار حمایت از صنایع و بنگاههای خاص (اسدی و خداپرست، ۱۳۹۳).

رشد اقتصادی و توسعه پایدار

شرایط امروز اقتصاد ایران نشانگر اولویت مهم هدفگذاری رشد در سیاستهای کلان دولت می باشد. افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص، از مهمترین اهداف الگوی اقتصاد مقاومتی است.

صنایع کشور داعیه دار سهم عمده از رشد تولید و کاهش بیکاری بوده اند. مسلماً تأمین مالی پروژه های صنعتی، که شامل طرح های اساسی و زیربنایی این بخش می شوند، برای توسعه توان این نیروی محرک، از اهمیت بسزایی برخوردار است. اکنون می توان گفت مهمترین جایگاه برای تأمین منابع عظیم مالی، بازار سرمایه است. سهولت رویه و تنوع ابزارها در بازار ابزارهای نوین مالی فرابورس، هدف تأمین مالی صنعت گران را به موفقیت نیل می دهد. بازار سرمایه می تواند به عنوان کاراترین نهاد

مالی تأمین کننده منابع برای صنایع، سهم عمده ای در حرکت موتور رشد اقتصادی کشور، که در سال اخیر به علت ساختار موجود بازار پول در تخصیص نقدینگی به بخش تولید دچار افت شده بود، حماسه آفرین گردد. در این زمینه فرابورس ایران تلاش دارد تا با ایجاد تسهیلات مقتضی در روند پذیرش و افشا اطلاعات شرکت‌های کوچک و متوسط، هر چه بیشتر از قبل به تأمین مالی این شرکت‌ها کمک کند تا علاوه بر استفاده از سرمایه‌های انسانی بومی در مناطق مختلف کشور، اتصال صنایع مختلف با اندازه‌های متفاوت را به خوشه‌های صنعتی مربوط میسر سازد تا از این طریق به افزایش تولید داخلی کالاهای قابل مبادله کمک گردد.

در این میان با نگاهی به وضعیت آلودگی‌های پیرامونی، توجه به آثار زیست محیطی فعالیت‌های اقتصادی بیش از پیش ضروری می‌رسد. فعالیت‌های صنعتی می‌بایست با تأثیر از صنایع دانش بنیان به دنبال استفاده از تکنولوژی‌های دوستدار محیط زیست حرکت کنند تا علاوه بر دستیابی به کارایی بالاتر، هزینه‌های متعدد وارد شده بر جامعه و زیستگاه‌ها را به حداقل برسانند. در این خصوص معرفی شاخص‌های سبز در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله صنایع مختلف فعال در بازار سرمایه می‌تواند راهکاری مناسب جهت پیشبرد اهداف اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار کشور در نظر گرفته شود.

بازتوزیع عادلانه درآمد

درآمد عوامل تولید کالاها و خدمات شرکت‌های فعال در بازار سرمایه از جمله نیروی کار، تکنولوژی و سرمایه به شیوه نظام مندی به صاحبان این عوامل بازمیگردد. رفاه اجتماعی در خلال این توزیع درآمد برای سرمایه‌گذاران و سایر ارکان تولید ارتقا می‌یابد. در این صورت عوامل به طور عادلانه و به میزان ارزش آفرینی در زنجیره تولید سهم می‌برند. نکته حائز اهمیت این است که بازتوزیع درآمد حاصل از فعالیت مولد، با مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی طراحی شده در مقررات بازار سرمایه به سمت سرمایه‌گذاری مجدد در تولید هدایت می‌شوند.

بازار دارایی فکری

امروزه نقش اساسی حمایت از حقوق مالکیت فکری در ایجاد زمینه ابتکار و نوآوری و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و رشد سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌المللی برکسی پوشیده نیست. حقوق مالکیت فکری با دربرگرفتن حق استفاده انحصاری علائم تجاری، اختراعات، طرح‌های صنعتی، نام تجاری و ارقام جدید گیاهی، از ابتکار و نتیجه فکر و عمل نخبگان حاصل می‌شود. با مدیریت سرمایه و هدایت آن به سوی اختراعات و ایده‌ها در راستای تجاری‌سازی آنها می‌توان شاهد گسترش روز افزون کسب و کار بود. در این راستا بازار سرمایه می‌تواند بستر مناسبی جهت تعامل و همکاری صاحبان ایده و طرح و اختراع و بازار سرمایه را فراهم آورد. راه اندازی بازار دارایی فکری فرابورس ایران در این راستا، علاوه بر توسعه تحقیق و پژوهش بر پایه نتیجه‌گیری‌های کاربردی در محیط علمی و افزایش بهره‌وری تولید با طرح‌های برآمده از تخصص دانش پژوهان، به پیشسازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور کمک شایانی خواهد نمود.

رقابت پذیری

توسعه توان تولید داخلی برای رقابت با زنجیره‌های تولید خارجی از اهدافی است که اقتصاد مقاومتی بر اساس آن مبنایری شده است. افزایش نوآوری، کارایی و بهره‌وری تولید داخلی در گرو تحرک در اصل رقابت پذیری است. یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر رشد تولید و افزایش بهره‌وری در تولید، فعالیت در بازار رقابتی و شفاف است که در آن یک بنگاه اقتصادی، به هزینه‌های تحقیق و توسعه توجه کرده و برای نیل به ساختار هزینه پایین‌تر، در روش‌های تولید خلاقیت ایجاد می‌کند. توسعه رقابت پذیری همچنین با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه، به کارایی نیروی

کار در تولید مساعدت فراوانی گسیل می دارد. بازار سرمایه به عنوان جایگاه رقابت اقتصادی کشور، از طرفی محیط قانونمندی را برای رقابت بنگاه ها فراهم آورده و از طرف دیگر با احترام به حقوق مالکیت خصوصی که یکی از اساسی ترین زیرساخت ها برای بهبود فضای فعالیت در بخش واقعی اقتصاد است، سعی در زمینه سازی جهت برپایی آزادی اقتصادی و رقابت اخلاقی سازگار با اصول اقتصاد اسلامی دارد.

شفافیت اطلاعاتی

از مهمترین سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پولی و مالی است. شفافیت حرکت جریان نقدینگی در بازار سرمایه امکان رانت جویی، انحصار و حمایت های غیرمنصفانه را به حداقل می رساند و امنیت مالی را برای سرمایه غذا ران و تقاضاکنندگان تأمین مالی بخش خصوصی جلوه گر می سازد. با توجه به شفافیت اطلاعاتی و نظارت مستمر شرکت های پذیرفته شده در بورس و فرابورس، علاوه بر وجود ارکان نظارتی در سازمان بورس و اوراق بهادار، ریسک های درونی برای فعالیت در بازار سرمایه به حداقل رسانده شده است. علاوه بر این، راه اندازی سیستم های الکترونیکی گزارشگری مالی و افشای اطلاعات نهادهای مالی همچون سامانه کدال نیز به ارتقای فضای کسب و کار در بازار سرمایه کمک کرده اند. در این زمینه، شفافیت اطلاعاتی بنگاههای خصوصی و دولتی در بازار سرمایه نتیجه مهم دیگری نیز در بردارد و آن افزایش سهم درآمدهای مالیاتی دولت و گسترش پایه مالیاتی کشور است. با تأمین امنیت فعالیت بخش خصوصی و تسهیل قوانین مالیاتی در بخش واقعی اقتصاد، می توان به حضور سرمایه گذاران در این بخش امیدوار بود. هدایت وجوه نقد از بخش غیر رسمی به بخش رسمی و واقعی، علاوه بر گسترش پایه مالیاتی دولت در پی افزایش شفافیت اطلاعاتی، موجب رشد تولید ناخالص داخلی و نیز جذب پس اندازها و کاهش فعالیت های بازارهای غیرمولد می گردد. همچنین فرابورس ایران اقدامات متعددی در خصوص ارتقای آگاهی جامعه از سرمایه گذاری در بازار سرمایه طرح ریزی نموده است تا از این طریق بتواند سهم مؤثری را در اصلاح الگوی رفتار اقتصادی ایفا نماید. بازتوزیع دانش به وسیله آموزش و اطلاع رسانی به اقشار مختلف، مسلماً گام مهمی در توسعه فرهنگ سرمایه گذاری مولد به حساب می آید.

دیپلماسی اقتصادی

امید به آیندهای باثبات در شرایط حاکم بر اقتصاد کشور از جنبه ملاحظات سیاسی و اقتصاد بین الملل، موجب برانگیختن انتظار از افزایش سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران طی سال های آتی شده است. از دیدگاه اقتصادی، آنچه پذیرش سرمایه گذاری خارجی را، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه ناگزیر می سازد، وجود شکاف بین پس انداز و سرمایه گذاری در این کشورهاست. حرکت جریان سرمایه، در شکل های عمده نظیر وام بانک های تجاری، جریان های رسمی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی گسیل داشته می شود. تحلیلی از آمار سرمایه گذاری مستقیم خارجی در سال های اخیر نشان می دهد که ثبات وضعیت اقتصاد ملی و میزان سرمایه گذاری خارجی رابطه مستقیمی با بهبود و ثبات روابط سیاسی بین المللی در سطح منطقه و جهان داشته است. در این صورت پوشش ریسک های فضای سرمایه گذاری برای ایجاد امنیت مالی و اقتصادی سرمایه گذاران خارجی ضروری به نظر می رسد. از جمله اقدامات مناسب می توان به طراحی قراردادهای آتی ارز در بازار سرمایه جهت پوشش ریسک نرخ ارز اشاره کرد. پیشبرد روند دیپلماسی اقتصادی همراه با توسعه روابط دیپلماتیک، مسلماً باید همگام با بهبود زیرساخت های جذب سرمایه گذاری خارجی در کشور صورت گیرد. از جمله این زیرساختها می

توان به گسترش زمینه های حقوقی و اجرایی فعالیت شرکتهای چند ملیتی در داخل کشور و پیگیری و رفع مشکلات حقوق مالکیت خصوصی افراد حقیقی و حقوقی خارجی اشاره نمود.

ابزارها و نهادهای نوین مالی

بازار سرمایه کشور همواره در پی ایجاد روشهای متنوع تأمین مالی متناسب با ظرفیت بنگاه ها و کسب بازار بوده است. از جمله این ابزارها می توان به مطالعه و طراحی صندوق پروژه قابل معامله و صندوق زمین و ساختمان اشاره کرد که ابزارهای جدید و مناسبی جهت تأمین مالی طرح های زیرساختی در حوزه های مختلف از جمله در بخش انرژی (پالایشگاه ها، نیروگاه ها و میادین گازی) و بخش مسکن و راهسازی می باشند. از ابزارهای دیگر برای تأمین مالی از طریق بدهی های دولت می توان به اسناد خزانه اسلامی اشاره کرد که از انواع اوراق تنزیل دین به حساب می آیند. تأمین مالی بدهی های دولت از طریق انتشار اسناد خزانه اسلامی در فرابورس ایران فرصت مناسبی برای کاهش حجم بدهی های دولت و بهبود کسری بودجه است. سهام عدالت واگذاری شرکتهای مطرح دولتی به مردم و مشارکت آنها در این شرکت ها به منزله مشارکت عموم در اقتصاد کشور و تمرکززدایی مالی دولت است. تقویت سبد سهام عدالت از ضروریات توسعه اقتصاد مقاومتی می باشد. این واگذاری سبب خواهد شد که رفاه از دست رفته جامعه در تورم بالا توسط افزایش ارزش فروش این شرکت ها بازگردانده شود (اقتصاد مقاومتی رویکردهای سیاستی و شاخص های اقتصاد مقاومتی در بازار سرمایه).

اصول اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف

در تدوین سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی، چارچوب نظری اقتصاد مقاومتی محور قرار گرفته است. بنابراین لازم است چارچوب نگرش به اقتصاد مقاومتی مشخص شود تا سیاست هایی که برای آن تعریف می شود، معنی دار و سازمان یافته باشد. با این رویکرد، در ادامه محورهای حاکم بر اقتصاد مقاومتی که ضوابط و اصول حاکم بر این اقتصاد را نشان می دهد، در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف بیان می شود. این اصول برگرفته از سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۹۲ میباشند.

الف - اصلاح بستر فعالیت فعالان اقتصادی: با توجه به اینکه جلب مشارکت تمام مردم برای مشارکت در اصلاح ساخت اقتصادی و تلاش برای تولید ضرورت دارد، لازم است دولت طوری برنامه ریزی کند که زیرساخت های لازم برای این نوع فعالیت فراهم شود.

ب - حمایت از تولید و محصولات ساخت داخل (مصرف تولیدات داخلی): تقاضای ملی باید با بیشترین تأکید از محل محصولات ساخت داخل تأمین شود. به عبارت دیگر، تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی به این نتیجه برسند که محصولات داخلی باید در جایگاهی والا قرار بگیرند و جریان تولید تا مصرف این محصولات با عنایت به این احترام شکل بگیرد.

ج - پیدایش اقتصاد دانش بنیان: اقتصاد دانش بنیان اقتصادی است که در آن تولید، توزیع و کاربرد دانش، عامل و محرک رشد اقتصادی، تولید ثروت و اشتغال در تمام صنایع است. به عبارت دیگر اقتصاد دانش بنیان به شکل مستقیم بر اساس تولید، توزیع و مصرف دانش و اطلاعات قرار دارد و در تحقق و پایدارتر کردن اقتصاد مقاومتی نقشی اساسی دارد؛ زیرا نوآوری و خلاقیت، با دانایی محور کردن اقتصاد تشویق می شوند.

عنصر دانش به ویژه در شرایطی که تحریمها و ناملایمات خارجی و داخلی بیش از پیش در شکل گیری مشکلات اقتصادی تأثیرگذار شده، برای ایجاد فضای رقابتی بین بنگاه ها و افزایش بهره وری و کارایی و در نتیجه افزایش تولید امری مهم و ضروری محسوب می شود و در این میبایست نقش شرکت های دانش بنیان برجسته تر خواهد بود. این موارد به خودی خود

سبب افزایش توان مقاومت اقتصاد ملی و سرعت بخشیدن به رشد آن خواهد شد و این بدان معناست که الزامات گسترش اقتصاد دانش بنیان باید رعایت شود و در اولویت قرار بگیرد. از این رو، اصلاح ساختار اقتصاد به سمت اقتصاد دانش بنیان با ویژگی های این اقتصاد و پیگیری فعالیت های تحقیقاتی و تلاش برای اجرایی کردن دستاوردهای حاصل از این تحقیقات لازم می باشد.

د- سلامت اقتصادی و مدیریت بهینه مصرف: اصلاح الگوی مصرف و مدیریت آن یکی از موارد مهم در جهت پیشبرد اهداف اقتصادی جوامع و یکی از اصول با اهمیت تحقق اقتصاد مقاومتی محسوب می شود که به معنای نهادینه کردن روش صحیح استفاده از منابع کشور است و سبب ارتقای شاخص های زندگی و کاهش هزینه ها شده و زمینه را برای گسترش عدالت فراهم می کند.

ه- جلب مشارکت عموم مردم در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی: تمام فعالان اقتصادی و مصرف کنندگان باید به محصولات داخلی و توانایی بومی در تأمین نیازهای کشور معتقد باشند. لذا این امر باعث می شود که از تمام استعدادهای و ظرفیت های مردم در جهت تولید ثروت و دستیابی به قدرت، استقلال و امنیت اقتصادی استفاده شود. در جهت تقویت این اصل، ثبات و اصلاح قوانین در جهت رفع تبعیض بین بخش خصوصی و بخش های دولتی و شبه دولتی در وضعیت مشابه، گسترش فرهنگ استقامت و خود باوری و ... میتواند تأثیرگذار باشد.

و- تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار: یک اصل برای اتحاد مقاومتی این است که نیروی کار در تمام سطوح به صورت جدی و با دستیابی به بالاترین سطح بازدهی، فعال شود. چرا که هر مقدار نیروی کار، فعالیت بیشتر و مفیدتری داشته باشد، اقتصاد، قدرت مقاومت بیشتری خواهد داشت. هاربیسون (۱۹۷۸) معتقد است «منابع انسانی پایه و اساس ثروت ملل است، نه سرمایه، درآمد یا منابع فیزیکی. سرمایه و منابع طبیعی عوامل منفعل تولید هستند و نیروی انسانی به طور فعال سرمایه را انباشت میکند و منابع طبیعی را به کار میگیرد. افزون بر آن، نیروی انسانی نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را بنا و توسعه را پایه گذاری می کند. روشن است که اگر کشوری نتواند به توسعه و استفاده بهینه از نیروی انسانی خرد پردازد، قادر به توسعه هیچ چیز دیگر نخواهد بود». از این رو وجود حمایت های فعال برای تقویت توانمندی نیروی کار الزامی است.

ز- استفاده حداکثری از تمام ظرفیت ها و امکانات تولیدی: بی مصرف ماندن ظرفیت های تولیدی، عاملی برای اسراف و ضایع کردن تولید ملی است. با عنایت به محور مقاومت در مقابل تحریم، در اقتصاد مقاومتی باید حداکثر بهره برداری از ظرفیت ها و امکانات تولیدی انجام شود.

ح- توجه به زندگی مردم جامعه: لازم است دولت به نوعی، حداقل کالاهای اساسی و ضروری مردم جامعه را تأمین کند؛ چرا که تأمین کالاهای اساسی و ضروری و برقراری امنیت غذایی و دارویی جامعه با هدف مقابله با کمبردهای نگران کننده در اقتصاد کشور از طریق مدیریت و برنامه ریزی برای تأمین به موقع کالاهای اساسی و ضروری و داشتن ذخایر راهبردی برای پوشش دادن به ضربه های احتمالی بیرونی و مدیریت مصرف با هدف تأمین حداقل مصرف مورد نیاز تمام آحاد مردم و گسترش پوشش تأمین اجتماعی برای حمایت از گروه های محروم جامعه و مبارزه با فقر و ناعدالتی از جمله اقدامات برای تحقق این اصل میباشد.

ط- مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت: فساد اقتصادی، نقض قوانین موجود برای تأمین منافع و سود شخصی است. در ضمن فساد مالی می تواند فعالیت های سرمایه گذاری و اقتصادی را از شکل مولد آن به سوی رانت ها و فعالیت های زیرزمینی سوق دهد و می تواند با کاهش درآمد دولت (درآمدی که برای تأمین مخارج تولید لازم است)، موجب کاهش رشد

اقتصادی شود. سطح بالای فساد مالی موجب ناکارآمدی سیاست های دولتی شده و کاهش بازدهی سرمایه گذاری و در نتیجه کاهش رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت. در جدول زیر، اصول اقتصاد مقاومتی در سه عرصه تولید، توزیع و مصرف دسته بندی می شود (منظوری و همکاران، ۱۳۹۵):

جدول ۲. اصول اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف (منظوری و همکاران، ۱۳۹۵).

اصول	مصرف	توزیع	تولید
اصلاح بستر فعالیت فعالان اقتصادی	-	*	*
حمایت از تولید و محصولات ساخت داخل	*	-	*
پیدایش اقتصاد دانش بنیان	*	*	*
سلامتی اقتصادی و مدیریت بهینه مصرف	*	-	*
جلب مشارکت عموم مردم در اقتصاد و تقویت روحیه خودباوری و خوداتکایی	*	-	*
تقویت توانمندی و بازدهی نیروی کار	*	-	-
استفاده حداکثری از تمام ظرفیت ها و امکانات تولیدی	*	-	*
توجه به زندگی مردم جامعه	*	*	-
مبارزه با فساد اقتصادی و گسترش عدالت	-	*	*

دولت و اقتصاد مقاومتی

در نظام های اقتصادی مرسوم در دنیا، به عنوان مثال، سرمایه داری بر پایه مالکیت خصوصی و سوسیالیستی بر پایه دولت بنا شده اما اقتصادی که از آن به عنوان اقتصاد مقاومتی عنوان می شود مردم بنیاد است و نه دولت محور یعنی بر پایه ظرفیت های مردمی.

یکی از مهم ترین سؤالات شکلی و ساختاری در مورد اقتصاد مقاومتی، چگونگی پایه ریزی ساختاری و مختصات اقتصاد مقاومتی است. دو نظام عمده اقتصادی شناخته شده کاپیتالیسم (سرمایه داری) که برآمده از اندیشه های لیبرالیستی بوده است و دیگری نظام اقتصادی سوسیالیستی است. برای تبیین دولتی بودن یا نبودن اقتصاد مقاومتی، بایستی این مفهوم در نظام سازی اقتصادی بازتعریف شود.

مهم ترین شاخصه نظام سرمایه داری این است که تولید کالا به انگیزه ی کسب سود اقتصادی و منفعت شخصی افراد جامعه انجام می گیرد. سرمایه محوری یک نظام اقتصادی است که در آن، پایه های یک سیستم اقتصادی بر روی مالکیت خصوصی ابزارهای تولید اقتصادی است و در دست مالکان خصوصی است و از آن برای ایجاد بهره مندی اقتصادی در بازارهایی رقابتی استفاده می شود.

سوسیالیسم (جامعه خواهی) اقتصادی، که برای ایجاد یک نظم اجتماعی مبتنی بر انسجام همگانی پایه ریزی شده است، جامعه ای که در آن تمامی قشرهای اجتماع سهمی برابر در سود همگانی داشته باشند. هدف نهایی سوسیالیسم لغو مالکیت خصوصی بر ابزارهای تولید و برقراری مالکیت اجتماعی و عمومی یا دولتی بر ابزارهای تولید است.

سومین نوعی که از اقتصاد پایه‌ریزی می‌شود اقتصادهای مختلط نامیده می‌شوند که هرکدام به‌نحوی خصوصیاتی را از پایه‌های هرکدام از این تفکرات شامل می‌شوند. در سال‌های گذشته، متفکرین اسلامی به‌طور پراکنده، سعی بر ارائه‌ی نظام اقتصادی اسلامی به‌عنوان الگویی پیشرو برای جوامع بشری داشته‌اند که این نظام اقتصادی هم از نظر معیارهای دو نظام قبلی مختلط برشمرده می‌شد.

حال با توجه به تبیین اقتصاد مقاومتی توسط مقام معظم رهبری و بیان مختصات ایدئولوژیک اقتصاد مقاومتی این‌گونه به نظر می‌رسد که اقتصاد مقاومتی الگویی استخراجی و اجرایی به‌عنوان اقتصاد اسلامی است و بیان تمایزات و شفافیت ساختاری این الگوی اقتصادی از جهت دولتی بودن با نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی به روشن شدن زاویه‌ای از این مدل کمک شایانی خواهد نمود.

نقش دولت در نظام لیبرالی محدود به ناظر حقوقی و داوری می‌شود و مالکیت عمومی تنها در امور خاص برای اداره‌ی کالاهای عمومی به‌طور حداقلی تعریف می‌شود و در نظام سوسیالیستی، مالکیت به‌طور کلی عمومی است و دولت حتی بر امور تولیدی و صنعتی هم حاکم است و برخلاف نظم سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی بسیار حداقلی است.

اما در تعریف اقتصاد مقاومتی، نه نقش دولت به شدت نظام سرمایه‌داری کوچک و نه به شدت نظام سوسیالیستی نقش دولت پررنگ است؛ به‌گونه‌ای که در اقتصاد مقاومتی، دولت علاوه بر نقش حاکمیتی تعریف‌شده در سرمایه‌داری، مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک به بخش خصوصی و تولید را نیز دارد.

کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی با محوریت مردم است و دولت به‌عنوان یک مسئول عمومی، بر حسن اجرای فعالیت‌ها نظارت می‌کند و تولید و کارآفرینی و اشتغال را هدایت می‌کند و با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و توزیع مناسب، به کمک بخش خصوصی می‌پردازد.

نقش نظارتی دولت به‌گونه‌ای است که در مقابله با فساد اقتصادی و تبعیض می‌کوشد و با تأمین حداقل‌ها برای تمامی مردم و برطرف کردن نیازهای اساسی آن‌ها، به توسعه‌ی اقتصادی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب اجتماعی اهتمام می‌ورزد. حال می‌توان پس از بررسی کلی نقش دولت در اقتصاد مقاومتی، به نقش مردم در تحقق و شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی پرداخت. این نقش‌ها که در ادامه برای مردم تعریف شده است می‌تواند روشن کند که اقتصاد مقاومتی را نمی‌توان اقتصادی دولتی به حساب آورد و این به دلیل پررنگ تعریف شدن نقش مردم در ساختار اقتصاد مقاومتی است (دهقان، ۱۳۹۳).

یکی از کارکردهای بازار سرمایه، تجهیز منابع و وجوه مازاد و سوق دادن آن به سوی سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مولد اقتصادی است. یکی از چارچوب‌های مشارکت مردم در سرمایه‌گذاری و اقتصاد شرکت‌های سهامی عام با گستره وسیعی از سهام‌داران است. بازار سرمایه می‌تواند تجلی مناسبی از مشارکت افراد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی باشد. افزایش مشارکت آحاد جامعه در اقتصاد دارای دو بعد است که هم فراهم نمودن شرایط سرمایه‌گذاری و فعالیت مستقیم مردم در فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود و هم مشارکت مردم در تأمین منابع مالی موردنیاز فعالیت‌های مولد اقتصادی را شامل می‌گردد. تاکنون بازار سرمایه با توسعه بورس‌های مختلف (بورس اوراق بهادار، فرابورس، بورس کالا، بورس انرژی و بورس ایده)، نهادهای مالی مختلف (شرکت‌های تأمین سرمایه، شرکت‌های مشاوره سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری و ...)، ابزارهای متنوع تأمین مالی و پوشش ریسک (سهام، حق تقدم، اختیار معامله، سلف موازی استاندارد، قراردادهای آتی، اوراق مشارکت، اجاره، مرابحه و ...) و توسعه زیرساخت‌های نرم افزاری و سخت افزاری توانسته است نقشی مهم در جذب مشارکت حداکثری آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی و تأمین مالی در کشور ایفا نماید. به نظر می‌رسد اقداماتی که بازار سرمایه می

تواند جهت افزایش سهم بازار سرمایه در تأمین منابع مالی بنگاه های تولیدی و جذب حداکثری مشارکت مردم در جذب منابع انجام د به شرح ذیل است:

الف- لزوم طراحی و پیاده سازی انواع ابزارهای و نهادهای مالی. لازم به ذکر است اوراق بهادار اسلامی متنوعی از جمله اوراق اجاره، مرابحه، جعاله، سلف نفتی، استصناع، منفعت، مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، قرض الحسنه و وقف در سازمان بورس به تصویب کمیته فقهی رسیده است. برخی مانند اوراق مشارکت، اوراق اجاره و مرابحه به مرحله اجرا نیز رسیده است، در حالی که اوراق دیگر هنوز در مرحله تدوین دستورالعمل هستند؛ همچنین تأسیس نهادهای مالی با موضوع فعالیت جدید نظیر صندوق های پروژه، خرید دین، زمین و ساختمان نیز در دستور کار سازمان بورس قرار دارد که لازم است تمهیدات لازم جهت تسریع در پیاده سازی این ابزارها و نهادهای مالی در بازار سرمایه ایران فراهم گردد که خود نقشی بسیار مهم در جذب نقدینگی و مشارکت مردم با سلايق و اهداف مختلف در اقتصاد کشور خواهد داشت.

ب- لزوم توسعه متوازن بازار اولیه و ثانویه در بازار سرمایه. همان طور که از آمار معاملات قابل مشاهده است در بازار سرمایه ایران نقش بازار ثانویه بسیار پررنگ تر از بازار اولیه است؛ بنابراین لازم است تمهیدات لازم جهت ارتقا نقش بازار اولیه از قبیل تسریع در واگذاری سهام شرکت های دولتی در قالب اصل ۱۱ از طریق بورس، تسریع در روند افزایش سرمایه ها و تأمین مالی طرح های توسعه شرکت ها صورت پذیرد.

ج- شرایطی مهیا گردیده است که از ظرفیت بخش خصوصی جهت کمک به پایداری درآمدهای دولت از منابع بازار سرمایه استفاده گردد. سازمان بورس و اوراق بهادار می تواند با اقداماتی چون کمک به انتشار اوراق خزانه اسلامی مندرج در بودجه کل کشور، کمک به انتشار اوراق مشارکت و سایر اوراق بهادار غیر مشارکتی توسط دولت بر اساس بودجه کل کشور و کمک به انتشار اوراق سلف نفتی توسط دولت با تأمین مالی دولت از طریق جذب منابع مازاد مردم کم کند.

د- به منظور توسعه کارآفرینی لازم است شرایطی فراهم گردد که بنگاه های کوچک و متوسط نیز بتوانند جهت انجام فعالیت های اقتصادی مولد از طریق بازار سرمایه اقدام به تأمین مالی نمایند که این امر به نوبه خود منجر به افزایش مشارکت مستقیم کارآفرینان رو فعالان اقتصادی در فعالیت های اقتصادی می شود.

ه- هدف از واگذاری سهام عدالت فروش تسهیلاتی بخشی از سهام شرکت های دولتی معین، به اقشار پایین درآمدی جامعه به منظور تعمیم نسبی عدالت اقتصادی بوده است که این امر منجر به ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط جامعه می گردد. لازم است بحث سهام عدالت و آزادسازی آن با رعایت ملاحظات کارشناسی دقیق تعیین تکلیف گردد.

و- یکی از چالش های جدی برای حضور بیشتر سرمایه گذاران خرد و حقیقی در بازار سرمایه، حمایت از آنان در شرایط مختلف اقتصادی است. لازم است در این زمینه اقدامات عملی لازم مانند تدوین قانون حمایت از سرمایه گذاران خرد و حقیقی صورت پذیرد. ناگفته نماند راه اندازی صندوق تثبیت بازار سرمایه اقدامی در راستای حمایت از سرمایه گذاران خرد می باشد.

ز- آموزش و فرهنگ سازی گامی مهم در راستای آشنایی هر چه بیشتر سرمایه گذاران با بازار سرمایه و جذب مشارکت آنان می باشد. لازم است اقدامات لازم در جهت آشنایی آحاد جامعه با معاملات بازار سرمایه، قوانین و مقررات آن، ابزارها و نهادهای مالی موجود در بازار و کارکرد آن ها صورت پذیرد که در راستای تحقق این مهم نقش شرکت اطلاع رسانی کلیدی می باشد.

همچنین در راستای اصلاح نظام مالی کشور لازم است برخی اقدامات و اصلاحات در سطح کلان نظام مالی و برخی اقدامات توسط بازار سرمایه صورت پذیرد:

الف - تأسیس کمیته ثبات مالی در سطح بازارهای سرمایه، پول و بیمه و ارتباط تنگاتنگ این کمیته ها با یکدیگر در قالب شورای عالی ثبات مالی.

ب - لازم است نقش و جایگاه بازار پول و سرمایه در جذب سرمایه های خرد و کلان و جهت دهی آن ها به سمت فعالیت های مولد اقتصادی مشخص گردد که به نظر می رسد تبیین نقش ها به عواملی چون افق تأمین مالی و سرمایه گذاری، ریسک پذیری و ریسک گریزی، خرد یا کلان بودن تأمین مالی بستگی دارد.

ج - یکی از عوامل ثبات در بازار سرمایه، ثبات در تصمیم گیری هایی است که مانع نگرانی هرساله سرمایه گذاران در برخی صنایع از جمله سنگ آهنی ها، پتروشیمی ها و ... شود و به اعتماد سرمایه گذاران به بازار سرمایه آسیب نزنند؛ بنابراین ثبات در تصمیمات و سیاست های دولت و مجلس می تواند نقشی کلیدی در ایجاد ثبات در بازار سرمایه داشته باشد.

د - تلاش در جهت افزایش کارایی صندوق تثبیت بازار سرمایه در شرایط پرتلاطم که می تواند نقش مهمی در ایجاد ثبات بازار سرمایه داشته باشد.

ه - یکی از راهکارهای کاهش نوسان و ریسک و ایجاد ثبات بیشتر در بازار سرمایه و همچنین در بخش واقعی اقتصاد، استفاده از ابزارهای مشتقه چون قراردادهای آتی، قراردادهای اختیار معامله بود که لازم است تمهیدات لازم جهت گسترش نقش این ابزارها و راهکارها جهت مدیریت ریسک و ایجاد ثبات در بازار سرمایه فراهم آید.

و - طراحی و توسعه صندوق های سرمایه گذاری جدید مانند صندوق های قابل معامله در بورس در عین جذب سرمایه های سرگردان و تزریق آن ها به سمت بنگاه هایی با شرایط بنیادی مناسب، کاهش رفتارهای هیجانی و معاملات مبتنی بر شایعات و بهبود فرهنگ سرمایه گذاری و به تبع افزایش ثبات بازار سرمایه را در پی خواهد داشت.

ز - ایجاد و تهیه چهارچوبی برای ورود سهام عدالت به بورس با رعایت ملاحظات کارشناسی دقیق به اصلاح نظام مالی کشور کمک شایانی خواهد نمود.

ح - قوانین و مقررات در بازار سرمایه دارای جامعیت لازم نیست، این قوانین و مقررات در زمینه های مختلفی چون حمایت از سرمایه گذاران خرد، نحوه اداره بازار در شرایط غیرمعمول دارای نقص و مشکل جدی می باشد که لازم است اقدامات و اصلاحات لازم در این زمینه صورت پذیرد (گزارش نقش بازار سرمایه در تحقق سیاستهای اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۵).

وظایف نه گانه مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی

۱ - اصلاح الگوی مصرف: اصلاح الگوی مصرف که شامل مصرف بهینه کالا و انرژی و پرهیز از تجمل گرایی است در نهایت موجب می شود کشور نیاز کمتری به واردات و فرصت بیشتری برای صادرات داشته باشد. یکی از اصلی ترین ویژگی های اقتصاد مقاومتی را باید در نحوه مصرف و خرید ارزیابی کنیم. مردم به عنوان بازار اصلی مصرف، نقش حیاتی در تقویت بخش های تولیدی داخلی دارند.

از دیگر سو، حضور بخش های خصوصی در زمینه های اقتصادی کشور و گسترش نقش آن ها در بخش های تولیدی، با افزایش سرمایه گذاری، از جمله وظایف مردم در حوزه اقتصاد مقاومتی است. در واقع می توان اقتصاد مقاومتی را تبلور اقتصاد در مقابل تحریم ها و فشارهای خارجی و شکوفایی اقتصاد ملی تعریف نمود. عملی نمودن اقتصاد مقاومتی در جامعه، تأثیر و نتایج مثبتی در عرصه های اقتصادی به دنبال دارد که در نهایت رشد تولید داخلی و اقتصاد بومی را رقم می زند.

۲- توجه به مصرف تولیدات ملی: شاید تاکنون برای همه‌ی ما اصل این بوده که بین دو کالای ایرانی و خارجی با قیمت و کیفیت یکسان، به کالای ایرانی اهتمام داشته باشیم، اما به نظر می‌رسد این مسئله در تمام دنیا چنین باشد و ما شرایطی متفاوت‌تر از بسیاری از کشورهای دنیا داریم؛ چراکه این ماییم که به غیر از حس میهن‌دوستی، باید به مقاوم‌سازی اقتصاد اهمیت بدهیم و به همین دلیل، به نظر می‌رسد در شرایط حاضر، لازم باشد بیش از قیمت و کیفیت کالا، به ایرانی بودن آن‌ها اهمیت بدهیم و البته این مسئله می‌تواند موجب شود تا تولیدکنندگان داخلی نیز تقویت شوند و به روند رو به رشد خود با سرعت بیشتری ادامه دهند. نگاهی در سیر صنعتی شدن بسیاری از کشورهای موفق در این خصوص نیز به نقش پررنگ مردم و فرهنگ عمومی در این خصوص گواهی می‌دهد.

۳- اهتمام به مقوله‌ی مالیات: هم‌اکنون به غیر از کارمندان و کارگران که مالیات آن‌ها به دقت محاسبه و سر وقت اخذ می‌شود، بسیاری از اقشار دیگر، نسبت به پرداخت دقیق و به‌موقع مالیات خود حساسیتی ندارند؛ در حالی که نگاهی به فرهنگ عمومی کشورهایی که فاقد سرمایه‌هایی مانند نفت بوده‌اند گواهی می‌دهد که مردم و فرهنگ عمومی ایشان به شدت نسبت به مالیات حساس بوده و نسبت به فرار مالیاتی به بدترین شکل موضع می‌گیرند و با فراری‌های مالیاتی به مانند سارقان برخورد می‌نمایند. اگرچه دولت مکلف است که با شبکه‌های اطلاعاتی دقیق در این خصوص وارد شود، ولی باید ما مردم نیز نسبت به سهم خودمان در تحقق درآمد مالیاتی کشور اهتمام داشته باشیم و این مسئله را با بیان و تکرار به فرهنگ عمومی مبدل سازیم.

۴- مدیریت نقدینگی و سرمایه‌گذاری: اگرچه دولت مکلف به حفظ ارزش پول ملی است، اما بعضی وقت‌ها ما مردم نیز در جهت تحقق این مسئله مانع‌تراشی می‌کنیم و با نیت سودجویی و یا سرمایه‌گذاری، به اموری دست می‌زنیم که مستقیم و یا غیرمستقیم موجب تضعیف ارزش پول ملی و اقتصاد کشور می‌گردد.

وقتی ما مردم سرمایه‌هایمان را به سمت دلالی و بورس‌بازی‌های بی‌مورد در بخش‌های مسکن و طلا و ارز سوق می‌دهیم، موجب می‌شویم که تورم‌های بخشی و فرابخشی در کشور عنان مدیریت را از دست دولت خارج نموده و دود تورم در انتها به چشم خودمان و هم‌میهن‌انمان برود.

به نظر می‌رسد ما مردم قبل از هر سرمایه‌گذاری، در کنار سبک و سنگین کردن منافع شخصی آن، هزینه‌هایی را که برای کشور ایجاد می‌کنیم باید به‌عنوان یک اصل قطعی مد نظر قرار دهیم و حتی‌المقدور نقدینگی‌های مازادمان را به سمتی سوق دهیم که به بخش‌های تولیدی کمک نمایند.

۵- بهره‌وری در کار: میزان موفقیت اقتصاد یک کشور به میزان بهره‌وری نیروی کار آن کشور ارتباط مستقیم دارد و اگر ما به‌عنوان مردم نسبت به بهره‌وری فعالیت‌های شغلی و حتی غیرشغلی‌مان اهتمام نداشته باشیم، تصور اینکه کشور به سمت بهره‌وری پیش برود تقریباً عبث خواهد بود.

افزایش بهره‌وری کار، چند بخش دارد که بخشی از آن مبتنی بر افزایش تلاش و بخشی مبتنی بر افزایش آگاهی است. ما در هر شغل و فعالیتی که مشغولیم، باید با افزایش آگاهی‌های تخصصی و عمل به آن‌ها و افزایش پویایی و تلاش، گامی در جهت افزایش بهره‌وری ملی برداریم.

۶- مطالبه‌گری: در جایی که مردم نسبت به ساده‌زیستی مسئولان، حمایت از تولید ملی، پرهیز از تجملات، رسیدگی به محرومان حساس باشند و این موارد را از مسئولان خود مطالبه نمایند، یقیناً مسئولان و سایرین نیز لاقلاً برای بقای خود،

راهی جز پاسخ‌گویی به این مطالبات نخواهند داشت. مردم باید از مسئولان روحیه‌ی جهادی در تحقق آرمان‌های اقتصاد مقاومتی را با تمام شئون آن مطالبه کنند.

مردم باید نسبت به واردات کالاهای لوکس و به‌خصوص استفاده‌ی مسئولان از این وسایل حساسیت داشته باشند و در شرایطی که کشور قادر به تولید محصولات کشاورزی مورد نیازش است، نسبت به واردات محصولات غذایی اظهار نگرانی نمایند. هم‌اکنون شبکه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها، سایت‌های شخصی و رسانه‌ها به‌خوبی می‌توانند حرف مردم را به مسئولان منتقل کنند.

۷- مشارکت در تولید بیشتر: سال ۱۳۹۱ توسط مقام معظم رهبری تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی نامیده شد. با توجه به اینکه بخشی از مردم در کشور در کارهای تولیدی مشغول هستند، جهت موفقیت اقتصاد مقاومتی باید تولید خود را بیشتر و با کیفیت بهتر ارائه نمایند.

مثلاً کشاورزی که با وجود آب زیادی که در روستا دارد و به‌صورت سنتی مشغول کشاورزی است لازم است به دنبال شیوه‌هایی برود که با همین زمین و همان آب، محصول بیشتر و بهتری تولید کند. افرادی که تولیدی دارند نیز می‌توانند در این راستا تولیدات خود را ارتقا ببخشند.

۸- عدم همکاری با توطئه‌های دشمن و رصد تبلیغات دشمن: دشمن هرازگاهی به گوشه‌ای از اقتصاد ما ضربه می‌زند و باعث گرانی یک محصول می‌شود. لذا مردم باید هوشیار باشند، به محض اینکه متوجه شدند جنسی گران شده و حساسیت روی آن زیاد است، از تجمع جهت خرید خودداری نموده و پازل دشمن را تکمیل نکنند که همین نخریدن مردم باعث می‌شود توطئه‌ی دشمن نقش بر آب گردد و آن گرانی کاذب از بین برود. افرادی هم که توانایی دارند، باید مردم را در این زمینه آگاه سازند.

دشمن با توجه به رسانه‌های وسیعی که دارد، مدام در پی جنگ روانی در هر زمینه‌ای در کشور است. ولی حالا که ما در جنگ اقتصادی قرار داریم، باید مراقب تبلیغاتی که در این زمینه انجام می‌دهد باشیم و هرگونه حرکت دشمن را رصد کنیم و مراقب باشیم که تبلیغات دشمن در ما و مردم اثر نکند.

۹- نقش مردم در تولید علم با تکیه بر اقتصاد دانش‌بنیان: در اقتصاد مقاومتی، تجربه‌ها و مهارت‌ها، علاوه بر دانش حائز اهمیت است. در این نظام اقتصادی، نقش مردم در توسعه‌ی علمی و تکنولوژیکی نیز برای توسعه‌ی زیرساختی اهمیت ویژه‌ای دارد. این وظیفه نیز خواستار دولت به‌عنوان بنیان‌گذار و پشتیبان و یاری‌رسان به مردم برای پیشبرد دانش و اتصال آن به چرخه‌ی صنعت است و ایجاد پارک‌های علم و فناوری و حمایت از نخبگان هم در این راستا به شمار می‌رود.

در مجموع می‌توان نتیجه‌گیری نمود برای حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی، دولت نباید لکوموتیو باشد و مردم واگن‌های پشت سر آن باشند، بلکه مردم نقش محوری و موتور محرک اقتصاد مقاومتی هستند که لکوموتیو حرکت جامعه از تحرک صحیح و سریع این موتور نشأت می‌گیرد.

در اقتصاد مقاومتی، دولت وظیفه‌ی سنگینی دارد که مهم‌ترین بخش آن، برداشتن موانع مختلف و متعدد از پیش پای بخش تولید و اشتغال است. مراد از مردم هم عموم مردم به‌عنوان قشر مصرف‌کننده و نیز تولیدکنندگان بخش خصوصی است.

در مقابل وظایف سنگین دولت، تولیدکننده‌ی بخش خصوصی نیز موظف است با تمام وجود برای افزایش بهره‌وری واحد تولیدی خود اقدام کند. برنامه‌ریزی دقیق، تلاش مستمر برای افزایش کیفیت محصولات، وجدان کاری و انصاف در انجام امور

محوله، قانون‌مداری، انضباط اجتماعی و بسیاری دیگر از موارد نه‌گانه‌ی فوق را می‌توان به‌عنوان وظایف مردم و بخش خصوصی ذکر نمود.

اقتصاد مقاومتی با تبیینی که در فوق صورت گرفت، به‌هیچ‌وجه همخوانی با اقتصاد دولتی ندارد و نقش محوری مردم و بخش خصوصی به‌عنوان محور این نظام اقتصادی مشهود است که مردم برای ایفای نقش خود، نیازمند دولت هستند. دولت در اقتصاد مقاومتی به‌عنوان برنامه‌ریز، زمینه‌ساز، ظرفیت‌ساز و هدایت‌کننده و یاری‌رسان به بخش خصوصی و تولید تعریف می‌شود (دهقان، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

اینک در شرایطی که تحریم‌ها و فشارهای همه‌جانبه و ناجوانمردانه استکبار جهانی و توسل به امکانات سخت افزاری غرب، شرایطی نظیر جنگ احزاب را تداعی می‌کند و تمامی کفر به روی آورد. «تدبیر» جنگ اسلام آمده است، باید به علم اقتصاد علم تخصیص منابع محدود به خواسته‌های نامحدود بشری است و عاملان اقتصادی به دو دسته تولیدکنندگان کالا و خدمات و مصرف‌کنندگان آنها تقسیم می‌شوند. این عوامل از دو سطح و افق قابل بررسی هستند یکی زمانیکه از زاویه دید بنگاه‌های اقتصادی درگیر در جامعه اقتصادی می‌نگریم و رفتارهای واحدهای انفرادی مانند مصرف‌کننده و تولیدکننده کالایی خاص را مورد مطالعه قرار می‌دهیم (اقتصاد خرد) و یکی زمانیکه از زاویه دید یک «دولت» به عملکرد کل اقتصاد و موضوعاتی نظیر تولیدکل، مصرف کل، سرمایه‌گذاری کل، پس‌انداز کل، متوسط سطح قیمتها، حل رکود و بیکاری و مقابله با تورم می‌پردازیم.

اقتصاد کلان روابط بین بخش‌های اقتصادی و متغیرهای اقتصادی را تشریح می‌کند و چگونگی ارتباط فعالیتهای تولیدی و مصرفی اقتصاد و چگونگی ایجاد درآمد و تبدیل شدن درآمد به مخارج مربوط به کالاها و خدمات را مورد بحث قرار می‌دهد. یعنی دولت به جای پرداختن به عرضه، تقاضا و قیمت یک کالا یا درآمد، مصرف و پس‌انداز یک فرد، به عرضه و تقاضا، درآمد کل و مصرف کل و پس‌انداز کل جامعه می‌پردازد. با توجه به توضیحات داده شده، واضح است که اقتصاد مقاومتی یک نظام اقتصادی مجزا نیست. یک مدل اقتصادی کلاسیک نیست بلکه جریانی مهندسی شده از تولید و درآمد ملی و مصرف ملی است که باعث تعادل در بازارهای اقتصاد کلان می‌گردد و با استفاده از ظرفیتهای تشویقی و برانگیختگی‌های ملی و دینی درصدد است ضریب نفوذ خود را تا پائین‌ترین لایه‌های اقتصاد خرد و بنگاه‌های کوچک اقتصادی و خانوارها، گسترش دهد. تعادل در بازارهای اقتصاد کلان یعنی تعادل در بازار کالا و خدمات + تعادل در بازاری مالی (بازار پول و اوراق قرضه) + تعادل در بازار نیروی کار + تعادل در بازار ارز.

دولتها متناسب با توانایی اقتصادی (پتانسیل + قوه) و شرایط سیاسی و موقعیت بیت‌المللی خود به سمت تعادل مذکور در حرکتند و هریک روش و خط‌مشی کارشناسی شده‌ای را جهت نیل به تعادل مذکور برمی‌گزینند و با وزندهی به نقش کلان ابزارهای این حرکت نظیر سرمایه‌فیزیکی، سرمایه‌انسانی و تکنولوژی مسیر خود را برمی‌گزینند. حال با توجه به اینکه ایران در هیچکدام از «ابزارهای» چندگانه فوق مشکل قابل توجه و غیرقابل حل ندارد و بطور کلی در حوزه امکانات بالقوه سرمایه‌ای اعم از ذخایر مادی و انسانی، از توانمندی‌های بسیاری برخوردار است به نظر می‌رسد توانمندی نیل به تعادل اقتصادی مطلوب، امری میسر است. ابزارها و عوامل توسعه و تعادل اقتصادی بطور کلی به دو دسته عوامل سخت‌افزاری نظیر سرمایه‌فیزیکی و مادی و عوامل نرم‌افزاری نظیر سرمایه‌انسانی، سازمان، انضباط و قانونمندی تقسیم می‌شوند. مطالعه سرگذشت و کارنامه

دولتها موید این نکته است که همواره کشورهایی که به تقویت عوامل نرم افزاری توسعه و تعادل اقتصادی پرداخته اند بسیار موفقتر از کشورهایی بوده اند که به تقویت عوامل سخت افزاری نظیر سرمایه فیزیکی پرداخته اند.

اقتصاد مقاومتی الگویی است که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانونمندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد زیرا محوریت منابع مادی نتایج مایوس کننده ای نظیر بحران در نظام تصمیم گیری، بحران در سازمان و انضباط و مابقی مسایل اقتصادی و اجتماعی به تبع این بحران ها در پی دارد. آنها که این بحران ها را پشت سر گذاشته اند و به انسجام و انضباط در تصمیم گیری نایل آمده اند این هنر را پیدا کرده اند که بر فقدان منابع طبیعی و مادی و یا کمبود آن غلبه کنند و کارنامه ای درخشان در معرض دید جهانیان بگذارند. اقتصاد مقاومتی یعنی عمیق تر، منسجمتر و علمیترا شدن تدبیرها، تا اولاً نابسامانی ها اگر کاهش نیابند لاقلاً گسترش پیدا نکنند و سپس با وقوف کامل بر توانمندیها و داشته ها و سازمان دهی صحیح، حرکت به سمت قله ها تسریع گردد.

تشبیه بسیار رسا و گویای مقام معظم رهبری و ذکر مثال جنگ احزاب که عینی ترین نمونه تدبیر و تکیه بر سرمایه های انسانی و رای عقلا و دور اندیشی رسول ... می باشد بهترین تبیین کننده شرایط امروز اقتصاد ایران است. در حالیکه عوامل سخت افزاری قوای اسلام بسیار کمتر از کفار بود و مقایسه منابع مادی مسلمین با کفار، شکست مسلمین را حتمی می نمود، عوامل نرم افزاری شامل تدبیر، برنامه و سازمان و انضباط مسلمین عامل پیروزی قاطع و کوبنده اسلام شد. اینک در شرایطی که تحریم ها و فشارهای همه جانبه و ناجوانمردانه استکبار جهانی و توسل به امکانات سخت افزاری غرب، شرایطی نظیر جنگ احزاب را تداعی می کند و تمامی کفر به جنگ اسلام آمده است باید به "تدبیر" روی آورد. در آن نبرد حساس، پیامبر(ص) سخنان و راهکار تک تک یاران خویش را شنید و بهترین را برگزید. جبهه اسلام بر میزان توانایی سخت افزاری و نرم افزاری خویش کاملاً واقف بود، قوای خود را به درستی استفاده نمود، راههای نفوذ دشمن را به طور کامل مسدود کرد، مرعوب برتری سخت افزاری دشمن نشد و در فرصت مناسب ضربه نهایی را وارد و اردوگاه دشمن را متفرق نمود. این الگو با توجه به شرایط امروز تحریم ها و فشارهای بین المللی به طور کامل توسط ایران اسلامی قابل پیاده سازی است.

یکی از وظایف مهم رسانه های گروهی دادن این آگاهی به مردم است که چگونه خرید کالای هر کشور خارجی موجب ایجاد اشتغال در آن کشور و تقویت پول ملی و اقتصاد کشور تولید کننده کالا شده و به ضرر ایجاد اشتغال و پول ملی و اقتصاد کشور خودمان میباید و چنانچه کالاهای قاچاق خریداری گردد، علاوه بر کشور خارجی در حقیقت باندهای مخوف و جنایتکار قاچاق که معمولاً به قاچاق مواد مخدر نیز میپردازند تقویت شده اند.

باید هر ایرانی در هنگام انتخاب بین یک کالای ساخت ایران با ساخت یک کشور خارجی این تفاوت را احساس کند که در حال اتخاذ تصمیمی سرنوشت ساز است. یعنی در حال انتخاب بین ایجاد اشتغال در کشور خود یا ایجاد اشتغال در کشور دیگری است. باید موقع انتخاب بین یک کالای داخلی یا خارجی بداند در حال تصمیمگیری در مورد این موضوع مهم است که پول ملی کشور خود یا پول سایر کشورهای خارجی را تقویت نماید. باید بفهمد که انتخاب او، انتخاب بین تضعیف یا تقویت اقتصاد کشور خود، نسبت به کشور خارجی سازنده آن کالا میباید. باید به این امر واقف باشد که اگر خرید کالای خارجی را به هر دلیلی (حتی به دلیل کیفیت بهتر و قیمت ارزانتر) انتخاب کند، در معضلات اقتصادی کشور، از جمله در معضل بیکاری و مفاسدی که این امر به دنبال دارد شریک است. تولید کنندگان ما نیز اعم از مالک، مدیر، مهندس و کارگر و ... باید بدانند که چنانچه در تولید کالای با کیفیت بهتر و کمیت بیشتر کوتاهی کنند، در تخریب اقتصاد کشور به نفع کشورهای بیگانه سهمیم هستند.

در راستای تعریف اقتصاد مقاومتی، با توجه به شرایط تحریم و فشار موجود، اگر بتوان بهره‌وری نیروی کار را افزایش داد یا اینکه نهادهای تولیدی با جهاد و از خود گذشتگی توان تولیدی را افزایش دهند، زمینه رشد و شکوفایی را فراهم کرده‌اند و این خود جنبه‌ای از اقتصاد مقاومتی است و از طرفی نیز با پیگیری مطالبات مقام معظم رهبری در رابطه با نامگذاری ۵ سال گذشته و اثرات مثبت آن در اقتصاد، زمینه یک جهش در اقتصاد وجود دارد. ترس از توسعه مردم سالاری اسلامی از دلایل اصلی عملیات‌های مذکور بود. هرچند پس از ۳ دهه شاهد بهارهای عربی بودیم که خود دلیل جدی بر غلبه این تفکر در کشورهای اسلامی است. تحریم‌های اقتصادی به بهانه‌های مختلف نیز ریشه در همین نظریه دارد. هدف اصلی تحریم‌ها، فشار بر اقتصاد کشور، توسعه بیکاری و تورم و در نهایت ایجاد نارضایتی در جامعه است. درک و تحلیل دقیق از شرایط موجود و بسیج امکانات و منابع برای مقابله با این برنامه وظیفه همه کسانی است که به عزت و سربلندی می‌اندیشند. فراموش نکنیم که در شرایط موجود هر تصمیم غیرعقلانی نوعی همیاری ناخواسته با خواسته‌های دیگران است. نامگذاری سالهای اخیر همچون اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف کار مضاعف، جهاد اقتصادی و تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی و تمرکز در خصوص مسائل اقتصادی نوعی دوراندیشی هوشمندانه از سوی مقام معظم رهبری بوده است. در این باب نکات ذیل میتوانند حائز اهمیت باشند:

-منابع کشور اعم از مادی و انسانی و موقعیت ژئوپلیتیکی آن به گونه‌ای است که با اتخاذ تصمیمات اصولی و دقیق می‌توان تهدیدات مذکور را به فرصت تبدیل کرد. بنابراین، از نظر واقعی و شرایط موجود جهانی امکان عبور از تحریم‌ها وجود دارد.

-اقتصاد مردمی؛ اجرای صحیح اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی کردن اقتصاد و توانمندسازی بخش خصوصی می‌تواند نقش بسزایی در افزایش مشارکت مردمی و تحقق اقتصاد مقاومتی و نیز تقویت ظرفیت و توان تولید داخلی داشته باشد.

-نهادینه کردن حمایت از تولید ملی و استفاده از همه ظرفیت‌های کشور؛ در دوران اقتصاد مقاومتی، حمایت از تولید ملی داخلی یک ضرورت جدی است. از یک طرف میبایست فعالیتهای تولیدی و بازرگانی و حتی نظام پولی و مالی کشور را با نیازهای ناشی از اجرای اقتصاد مقاومتی و پیامدهای آن هماهنگ و همخوان گردد و از طرفی باید اقتصاد کشور را به توانمندی‌ها و ظرفیتهای داخلی متکی نمود. نیروی کار، منابع سرمایه‌ای، ابتکارات و خلاقیت‌ها، نگاه‌ها و نگرشها و نظایر آن میبایست با الزامات اقتصاد مقاومتی هماهنگ گردند.

-نگاه مولد به درون، خوداتکایی، خودکفایی؛ یکی از ویژگیهای اقتصاد مقاومتی تبدیل کشور از حالت واردکننده حداکثری به حالت وارد کننده حداقلی و تبدیل آن به یککشور صادرکننده محصولات غیرنفتی و غیروابسته و غیرمتکی به نفت است. در این خصوص جایگزینی تولید غیرنفتی اجباری است. کشور ایران دارای معادن غنی و متنوع، سرزمین‌های وسیع و مستعد، استعدادهای نیروی انسانی بی نظیر در دنیا، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و آماده برای بالفعل شدن، مکتبی انسانساز و مولد و مشوق و پویا و فعال، مواهب بومی و ملی خدادادی فراوان و کشوری تمدنساز و مؤثر در تمدن‌های بشری است. شناخت این ظرفیت‌های بومی و برنامه‌ریزی و عملیات برای به کارگیری این ظرفیت‌ها در اقتصاد مقاومتی اهمیت بسیار دارد. در اقتصاد مقاومتی رویکرد کشور و جامعه به سمت ایجاد نهضت استعدادیابی و ظرفیت‌یابی درونی و استفاده از فرصتهای موجود ملی است. در این نهضت جایی برای تنبلی و کود نیست. در وهله نخست همه نگاهها به سوی بهره‌وری و به کارگیری ظرفیتهای درونی است. نگاه و نگرش به اعتلای کشور و مقاومسازی اقتصاد در برابر هجوم دشمنان و یا شرایط اضطراری با رویکرد فعالسازی استعدادهای ملی است. نگاه توأم با تلاش و همت مضاعف و جهادگونه با تکیه بر کار و سرمایه ایرانی و حمایت از تولید ملی است.

نهضت تولید علم و دانش و به تبع آن تولید فناوری و به کارگیری فناوری ها و تجاری سازی دانش و است فاده حداکثری از شرکت های دانش بنیان و کارگاه های خصوصی کوچک و متوسط و هم افزایی علم و ثروت و حرکت به سمت خوداتکایی و تحقق خودکفایی کشور است که در اقتصاد مقاومتی برجسته تر میشود تا تولید ملی بهینه گردد و کشور به خود متکی و از تک محصولی بودن خارج شود. در اقتصاد مقاومتی برای برداشتن گام های بلند در راستای پیشرفت کشور در حین مقاومت، توجه به کیفیت و قیمت و تنوع تولید داخل، اصلاح مدیریت های اجرایی و عملیاتی با نگرش رسیدن به خوداتکایی و اتخاذ تدابیر لازم برای خوداتکایی در برخی زمینه ها لازم است.

منابع و مأخذ

۱. اسدی، محمد حسن و خداپرست، شیرازی، اقتصاد مقاومتی با رویکرد توسعه اقتصادی، مدیریت شهری نوین، شماره ۵، صفحات ۹۳-۱۰۸، ۱۳۹۳.
۲. اقتصاد مقاومتی رویکردهای سیاستی و شاخص های اقتصاد مقاومتی در بازار سرمایه، فرابورس ایران.
۳. خلیلی، حسام الدین، مقاومت اقتصادی در پرتو اقتصاد مقاومتی، نشریه کارگاه، شماره ۲۰، صفحات ۲۴-۴۳، ۱۳۹۱.
۴. خوش مردان، علی اسماعیلی، زیرساختهای فرهنگی و اجتماعی لازم برای دستیابی به اهداف اقتصاد، دفتر تحقیقات و سیاستهای بخشهای تولیدی، تهران، ۱۳۹۵.
۵. دفتر سیاست گذاری علم و فناوری، راهبرد تولید دانش بنیان، جایگاه شرکت های دانش بنیان در اقتصاد مقاومتی، با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکتهای و فعالان تولید دانش بنیان (هشتم مرداد ۱۳۹۱)؛ نهم رمضان المبارک ۱۴۳۳)، مرکز ارتباطات و اطلاع رسانی، ۱۳۹۱.
۶. دهقان، علیرضا، بازخوانی نقش دولت و مردم در اقتصاد مقاومتی وظایف نه گانه مردم در تحقق اقتصاد مقاومتی، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳.
۷. فشاری، مجید و پورغفار، جواد، بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی در اقتصاد ایران، مجله اقتصادی، شماره های ۵ و ۶، صفحات ۲۹-۴۰، ۱۳۹۳.
۸. متن ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۹ بهمن ۱۳۹۲.
۹. مشایخ، شهناز، حقیقی ملک سری، رقیه و حمداللهی، رقیه، نقش حسابداران و بورس در تحقق سیاستهای اقتصاد مقاومتی، دومین همایش ملی رویکردی بر حسابداری، مدیریت و اقتصاد، ۱۳۹۳.
۱۰. گزارش نقش بازار سرمایه در تحقق سیاستهای اقتصاد مقاومتی، واحد مهندسی مالی و مدیریت ریسک، تهران، ۱۳۹۵، ۱.
۱۱. Peet, R. & H. Elaine (۲۰۰۹), Theories of Development Contentions, Arguments, Alternatives, the Guilford Press, Second Edition.